



## بازشناسی روند تخاصم امریکا با ایران در پرتو تبارشناسی سلطه‌طلبی این کشور

دکتر سیروس حاجی‌زاده

### مقدمه

بزرگداشت روز دانشجو (روز ۱۶ آذر) هر ساله در شرایطی برگزار می‌شود که بیش از شش دهه از زمانی که خون سه دانشجوی ایرانی<sup>۱</sup> فرش قرمزی شد برای استقبال از ورود ریچارد نیکسون، معاون رئیس‌جمهور وقت امریکا به تهران می‌گذرد. اما اینک در آستانه پاسداشت رشادت آن خون‌های حماسه‌آفرین، دنیا شاهد اعتراض مردم و دانشجویان امریکایی به سیاست‌ها و هدف‌گذاری‌های کنگره و کاخ سفید در ابعاد داخلی و خارجی بوده و حتی رأی آنها در پنجاه و هشتمین انتخابات ریاست‌جمهوری امریکا به کسی تعلق می‌گیرد که بیشترین اعتراض را به نظام و حاکمیت امریکا وارد می‌نماید.

اما به موازات این روند در بیرون، نگاه و ندای دیگری در داخل نسبت به حرکت دانشجویی سر داده می‌شود. امروز جریانی سیاسی در داخل قصد دارد با ایجاد اشتباه محاسباتی در بین جوانان، دانشجویان و مردم، جنبش دانشجویی ایرانی را که با انقلاب و نفس حق امام‌راحل توانست خود را از جریان بیمار روشنفکری برهاند و با رویکرد انقلابی

۱. به نام‌های مصطفی بزرگ‌نیا، احمد قندچی و مهدی شریعت‌رضوی



امروز عده‌ای بدون توجه به زمینه و خاستگاه شعار «مرگ بر امریکا»، دنبال تبرئه و تطهیر چهره مسبب اصلی مشکلات دیروز و امروز ایران اسلامی، یعنی امریکای جنایتکار هستند و تلاش می‌کنند این چهره‌سازی و بزرگ نمودن امریکا را عقلایی جلوه داده، برای جا انداختن آن استدلال منطقی اقامه نمایند

در صفوف فشرده مردمی قرار دهد، از روح و هدف متعالی‌اش، یعنی اعتراض توأمان به استبداد داخلی و استعمار خارجی حامی دیکتاتوری پهلوی که نماد نظام سلطه امریکای جنایتکار بود، تهی نماید.

لذا امروز عده‌ای بدون توجه به زمینه و خاستگاه شعار «مرگ بر امریکا»، دنبال تبرئه و تطهیر چهره مسبب اصلی مشکلات دیروز و امروز ایران اسلامی، یعنی امریکا هستند و تلاش می‌کنند این چهره‌سازی و بزرگ نمودن امریکا را عقلایی جلوه داده، برای جا انداختن آن استدلال منطقی اقامه نمایند.<sup>۱</sup> در

همین امتداد در رابطه با استکبار ستیزی، مقام معظم رهبری در این باره فرمود: «شعارها و هدف‌هایی که این انقلاب ترسیم کرده، با ذات و نیازهای ذاتی انسان، آمیخته است. هدف‌های این انقلاب، عدالت خواهی، تکریم انسان، مبارزه با ستم‌گری، دفاع از مظلوم، پر کردن شکاف‌های طبقاتی است... این شعارها، هرگز کهنه نمی‌شود.<sup>۲</sup>»

در این مطلب تلاش خواهیم کرد با استفاده از سخنان اخیر مقام معظم رهبری در خصوص دو خطایی که از سوی دستگاه استکبار و امریکا و بعضی‌ها در داخل ترویج می‌شود تا دشمنی ما با امریکا را غیر منطقی و از سر تعصب و لجاجت نشان دهد و حل مشکلات داخل را به سازش با این کشور گره بزند، منطق تداوم و استمرار دشمنی با امریکا و شعار «مرگ بر امریکا» را نشان دهیم.

### روند تخصص امریکا با جمهوری اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری

مقام معظم رهبری در جمع دانشجویان و دانش‌آموزانی که در روز ۱۲ آبان به مناسبت ۱۳ آبان و روز ملی مبارزه با استکبار و امریکا میهمان حسینیه امام خمینی (ره) بودند، فرمودند:

من دو خطا را امروز می‌خواهم تصحیح کنم. دو اشتباه دارد تزریق می‌شود به افکار عمومی مردم ما. عامل این تزریق هم در درجه اول خود

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری، بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان به مناسبت روز ملی مبارزه با استکبار جهانی، ۱۳۹۵/۵/۱۲.

۲. سخنان مقام معظم رهبری در دیدار با جمعی از دانش‌آموزان و دانشجویان طرح ولایت، ۱۳۸۱/۵/۱۷.

دستگاه استکبار و امریکا هستند، و درجه دوم بعضی آدم‌ها در داخل... یکی اینکه این جور تبلیغ می‌کنند که اینکه امام فرمود هر چه فریاد دارید، بر سر امریکا بزنید- که امروز هم همین حکم جاری است- از سر تعصب و غرور است یعنی منطقی پشت سرش نیست؛ این را می‌خواهند ترویج کنند... خطای دوم؛ فکر غلط و خطایی که این هم باز دارد به نحوی از سوی امریکایی‌ها تزریق می‌شود و کسانی هم در داخل آن را ترویج می‌کنند و از اولی خطرناک‌تر است، این است که اگر ما با امریکا سازش کنیم، مشکلات کشورمان حل خواهد شد.

این موضوع به مدد رسانه‌های بیرونی و گاهی با نادانی و گاهی اغراض داخلی‌ها در حالی‌ها از گاهی مجال طرح در جامعه پیدا می‌کند که امروز مسئله دشمنی ملت‌ها با امریکا تنها معطوف به ایران اسلامی نیست و برای دنیا بحث سلطه‌گری و سلطه‌طلبی امریکایی‌ها روشن شده است. تاریخ امریکا پر است از خیانت به ارزش‌ها، فرهنگ‌ها و انسانیت ملت‌ها. بنابراین باید توجه داشت که دشمنی با امریکا و نهضت جهانی «مرگ بر امریکا»:

۱. مربوط به زمان حال نیست بلکه در گذشته هم بوده و استمرار داشته است؛
۲. مربوط به ایران نیست و در بسیاری از کشورهای جهان جاری و ساری است؛
۳. به طیف خاص فکری ارتباط پیدا نمی‌کند بلکه بسیاری از طیف‌های فکری در داخل و جهان امروزه به این شعار و دشمنی باور داشته به آن افتخار می‌کنند؛
۴. دشمنی با امریکا دشمنی با یک کشور و ملت نیست بلکه با سیاست‌ها و راهبردهای دستگاه حاکمه و نظام سیاسی امریکاست که به دنبال سلطه و تضييع حقوق سایر ملت‌هاست؛
۵. دشمنی و شعار مرگ بر امریکا اختصاص به مردمان خارج از امریکا ندارد بلکه اعتراض ۹۹ درصدی وال استریت ژورنال و انتخابات اخیر این کشور نشان داد که خود امریکایی‌ها هم با نوع سیاست سلطه‌طلبانه و ظالمانه امریکا مشکل دارند و مرگ بر نظام امریکا را سرمی‌دهند؛
۶. مرگ بر امریکا به شکل و نحوه رابطه امریکا با جهان مربوط است که مبتنی بر سیطره‌طلبی و بر اساس منافع یک جانبه امریکا بدون احترام به حقوق و منافع سایر کشورها و ملت‌هاست و بسیاری از کشورها و ملت‌های دنیا بر سر این موضوع اشتراک





مرگ بر امریکا به شکل و نحوه رابطه امریکا با جهان مربوط است که مبتنی بر سیطره طلبی و بر اساس منافع یک جانبه امریکا بدون احترام به حقوق و منافع سایر کشورها و ملت‌هاست و بسیاری از کشورها و ملت‌های دنیا بر سر این موضوع اشتراک نظر دارند

نظر دارند.<sup>۱</sup>

بر این اساس، مقام معظم رهبری در همان دیدار ۱۲ آبان با دانشجویان و دانش‌آموزان همچنان شعار «مرگ بر امریکا»ی ملت ایران را منطقی دانسته و با امام راحل که می‌فرمودند «هر چه فریاد دارید بر سر امریکا بکشید» موافق‌اند؛ زیرا همچنان ریشه بسیاری از خراب‌کاری‌ها و توطئه‌ها علیه منافع ملت ایران و دنیای اسلام و ملل آزادی‌خواه جهان به امریکا و سیاست‌های سلطه‌طلبانه و مستکبرانه این دولت خبیث برمی‌گردد. معظم‌له در مورد منطق مبارزه و مقابله جمهوری اسلامی ایران با امریکا تأکید و تصریح می‌نمایند:

آن منطق این است که اساس سیاست امریکا بر افزون طلبی و دست‌اندازی است. تاریخ امریکا در این ۲۵۰ سالی که از عمر آن می‌گذرد، این را نشان می‌دهد- البته اوایل خیلی کمتر، از حدود صد سال پیش یا اندکی کمتر از صد سال پیش، خیلی بیشتر- سیاست کلی امریکا این است که امنیت داخلی‌اش را به وسیله دست‌اندازی به کشورهای جهان و تصرف مناطق نفوذ فراوان تأمین کند؛<sup>۲</sup> این جور عمل می‌کنند؛ این سیاست آنها است. این سیاست را در منطقه غرب آسیا اعمال کردند، در ایران در دوران طاغوت اعمال کردند، در کشورهای همسایه ما اعمال کردند. بر سر این قضیه با شوروی سابق زور آزمایی داشتند- او به طرف خود می‌کشید، این به طرف خود می‌کشید- و ایران منطقه نفوذ امریکا بود. اندکی غفلت بعد از پیروزی انقلاب موجب می‌شد که دشمنی که از در بیرونش کردیم، از پنجره بر گردد؛ امام نگذاشت و جلوی این را گرفت. اینکه گفتند در مقابل امریکا بایستید، هر چه فریاد دارید بر سر امریکا بزنید، به معنای دفاع از ارزش‌هاست؛ نه فقط ارزش‌های مخصوص مسلمان‌ها، دفاع از ارزش‌های انسانی. امروز به اعتراف خود امریکایی‌ها، دولت امریکا و نظام امریکا از ارزش‌های انسانی

۱. دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان، ۱۳۹۵/۸/۱۲.

۲. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان در تاریخ ۱۳۹۵/۸/۱۲.

رهبر معظم انقلاب: اساس سیاست امریکا بر افزون طلبی و دست اندازی است. تاریخ امریکا در این ۲۵۰ سالی که از عمر آن می گذرد، این را نشان می دهد... سیاست کلی امریکا این است که امنیت داخلی اش را به وسیله دست اندازی به کشورهای جهان و تصرف مناطق نفوذ فراوان تأمین کند

فرسنگ ها دور افتاده. این مناظره دو نامزد [ریاست جمهوری] امریکا را دیدید؟ حقایقی که اینها بر زبان راندند دیدید؟ شنیدید؟ اینها امریکا را افشا کردند... بنابراین، این شعار ضد امریکایی، این فریاد کشیدن بر سر امریکا از روی تعصب نیست، از روی جهالت نیست، از روی لجبازی نیست؛ از روی منطق است؛ متکی به یک پشتوانه و عقبه منطقی و فکری است.

مقام معظم رهبری پس از تصحیح خطای اول که با ارایه مثال ها و مصادیق فراوانی از ظلم و مداخله و تعدی سیاست های امریکایی در امور داخلی ایران اسلامی و جهانی است، برای تصحیح اشتباه دوم می فرماید:

[این] از آن اشتباهات عجیب و غریب و بسیار خطرناک [است].  
[می گویند] اگر ما با امریکا سازش کردیم، مشکلات کشور حل می شود. خب، حالا ده تا دلیل می شود شمرد برای اینکه این حرف غلط است، این حرف دروغ است، این حرف فریب است. سازش با امریکا مشکلات کشور را به هیچ وجه حل نمی کند؛ نه مشکلات اقتصادی را، نه مشکلات سیاسی را، نه مشکلات امنیتی را، نه مشکلات اخلاقی را، بلکه بدتر خواهد کرد.<sup>۱</sup> ده - پانزده دلیل وجود دارد و می شود شمرد و ردیف کرد برای این قضیه؛ آخری اش همین قضیه برجام است. من چقدر در طول مذاکرات گفتم که اینها بدعهدند، اینها دروغ گویند، اینها پای حرفشان نمی ایستند؛ حالا ملاحظه می کنید! امروز آن کسی که دارد می گوید آنها بدعهدند دیگر من [فقط] نیستم؛ مسئولین محترم کشور، خود مذاکره کنندگان ما که این همه زحمت کشیدند، یک سال و خرده ای مذاکره کردند، رفتند، نشستند، برخاستند؛ ده روز، پانزده روز، بیست روز خارج از کشور، پشت میز مذاکره با آن همه زحمت، عرق ریختند،

1. <http://www.fardanews.com/585618> و <http://www.entekhab.irs/135669>





زحمت کشیدند، آنها دارند می‌گویند... اولاً طرف دروغگو است، فریبگر است، بدعهد است، خنجر از پشت بزن است، در همان حالی که دارد با یک دست، دست می‌دهد، به قول خودشان یک مشت سنگ در دست دیگرش است که بزند به سر طرف مقابل. طرف، این جور آدمی است. ثانیاً آمریکا می‌خواهد مشکلات ملت ایران را حل کند؟ خود آمریکا دچار بحران است؛ این را چرا نمی‌گویند؟ این را همه دستگاه‌های مهم قضاوت‌کننده در این‌گونه مسائل در دنیا، حتی خود آمریکایی‌ها دارند می‌گویند. آمریکا دچار بحران است؛ بحران اقتصادی، بحران بین‌المللی، بحران سیاسی، بحران اخلاقی؛ خودش دچار بحران است. امروز قرض‌های دولت آمریکا تقریباً نزدیک به تولید ناخالص کل آمریکا است؛ این نشانه بحران است، این را اقتصاددان‌ها می‌گویند. می‌گویند هر وقتی که دیون یک دولت نزدیک شد به تولید ناخالص یک دولت، این دولت در حال بحران است؛ این اقتصاد، اقتصاد بحرانی است؛ امروز آمریکا این جور است. آن مقداری که بدهکار است، نزدیک به حدود شصت و چند درصد تولید ناخالص ملی‌اش است؛ این می‌خواهد به چه کسی کمک بکند؟ این می‌خواهد بکند، این می‌خواهد بکند تا خودش را ترمیم بکند؛ این می‌آید به اقتصاد کشوری کمک کند؟ این از لحاظ اقتصادی. از لحاظ سیاسی [هم] دچار بحران‌اند. امروز بدون استثنا، در هر نقطه‌ای از دنیا- این را من با قاطعیت عرض می‌کنم- که یک ملتی قیام کند، حرکت کند علیه مستبدی، علیه دولتی، علیه حکومتی، شعارش «مرگ بر آمریکا» است؛ یک روز شعار مرگ بر آمریکا فقط مال اینجا بود؛ امروز در منطقه غرب آسیا، در منطقه شرق آسیا، [حتی] در خود اروپا، در منطقه آمریکای لاتین، در منطقه آفریقا، ملت‌هایی که قیام می‌کنند، اولین شعارشان علیه آمریکا است؛ این وضع سیاسی آمریکا است. بحران از این بالاتر؟

## استدلال‌های بیانات امام مبنی بر «هر چه فریاد دارید بر سر امریکا بکشید»<sup>۱</sup>

اساس سیاست امریکا بر افزون‌طلبی و دست‌اندازی است. تاریخ امریکا در این ۲۵۰ سالی که از عمر آن می‌گذرد، این را نشان می‌دهد. سیاست کلی امریکا این است که امنیت داخلی‌اش را به وسیله دست‌اندازی به کشورهای جهان و تصرف مناطق نفوذ فراوان تأمین کند؛ این جور عمل می‌کنند، این سیاست آنها است. این سیاست را در منطه غرب آسیا اعمال کردند، در ایران در دوران طاغوت اعمال کردند. در کشورهای همسایه ما اعمال کردند. بر سر این قضیه با شوروی سابق زور آزمایی داشتند- او به طرف خود می‌کشید. این به طرف خود می‌کشید- و ایران منطقه نفوذ امریکا بود. اندکی غفلت بعد از پیروزی انقلاب موجب می‌شد که دشمنی که از در بیرونش کردیم، از پنجره برگردد؛ امام نگذاشت و جلوی این را گرفت.

بازگشت مجدد امریکا به ایران در صورت غفلت از سیاست افزون‌طلبی آنها بعد از پیروزی انقلاب

اینکه گفتند در مقابل امریکا بایستید، هر چه فریاد دارید بر سر امریکا بزنید، به معنای دفاع از ارزش‌ها است؛ نه فقط ارزش‌های مخصوص مسلمان‌ها. دفاع از ارزش‌های انسانی. امروز به اعتراف خود امریکایی‌ها، دولت امریکا و نظام امریکا از ارزش‌های انسانی فرسنگ‌ها دور افتاده... ارزش‌های انسانی در آنجا لگدمال شده است؛ تبعیض، اختلاف، نژادپرستی، لگدمال کردن حقوق بشر. «مرگ بر امریکا» که شما فریاد می‌زنید، اینکه گفتند «هر چه فریاد دارید بر سر امریکا بکشید»، یعنی مرگ بر این چیزها. امام به خاطر همین چیزها گفت که هر چه فریاد دارید، بر سر امریکا بکشید.

ایستادگی در مقابل امریکا به خاطر دفاع از ارزش‌های انسانی



۱. فرمایشات مقام معظم رهبری در دیدار با دانش‌آموزان و دانشجویان، ۱۳۹۵/۸/۱۲.



پناه دادن به شاه در امریکا و فراهم کردن زمینه برای بازگرداندن او به ایران مانند کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲

امریکایی‌ها همان روزهای اول [انقلاب]، زمینه یک ضربه بزرگ به ملت ایران را فراهم کردند، یعنی محمدرضا را پناه دادند در امریکا، برای این که او را نگه دارند، زمینه را فراهم کنند، عواملش را در اینجا تقویت کنند، خود او هم باشد، بعد همان کاری را که در ۲۸ مرداد سال ۳۲ انجام دادند دو مرتبه انجام بدهند. در ۲۸ مرداد هم محمدرضا از ایران فرار کرد؛ انگلیسی‌ها و امریکایی‌ها دست به دست هم دادند، مخفیانه آمدند داخل، از سفارت‌های گوناگون استفاده کردند، پناه گرفتند، عوامل خودشان را تجهیز کردند، آماده کردند، از غفلت آن روز مردم استفاده کردند، دو مرتبه محمدرضا را برگرداندند و همان برگرداندن بود که ۲۵ سال تسمه از گردن این ملت کشید و پدر این مردم را درآورد. اینها می‌خواستند این کار را دوباره انجام بدهند، [اما] امام جلوی این را گرفت، سد کرد. ملت ایران را بیدار کرد و ملت ایران بیدار شدند.

### بدعهدی‌های امریکا عامل بی‌اعتمادی به این کشور

در ادامه به برخی از دلایل، قرائن و استناداتی که به خوبی می‌تواند منطق و چرایی دشمنی ملت‌ها و دولت‌های منطقه‌ای و جهانی را با سیاست‌های امریکا نشان دهد اشاره می‌کنیم.

#### ۱. سیاست خارجی سلطه‌طلبانه

نگاهی به روابط امریکا با کشورهای آسیایی، آفریقایی، برخی کشورهای اروپایی و امریکایی نشان می‌دهد که این روابط بر اصل منافع ژئوپولیتیک امریکا استوار بوده است. حکومت‌های دیکتاتوری همواره تحت حمایت‌های کاخ سفید بوده و این حمایت‌ها تا آخرین دقایق عمر این حکومت‌ها ادامه داشته و پس از آن نیز در صورت سقوط چنین حکومت‌هایی حمایت امریکا در قالب جهت‌دهی به



رهبر معظم انقلاب: [این] از آن اشتباهات عجیب و غریب و بسیار خطرناک [است]. [می‌گویند] اگر ما با امریکا سازش کردیم، مشکلات کشور حل می‌شود... این حرف غلط است، این حرف دروغ است، این حرف فریب است. سازش با امریکا مشکلات کشور را به هیچ وجه حل نمی‌کند؛ نه مشکلات اقتصادی را، نه مشکلات سیاسی را، نه مشکلات امنیتی را، نه مشکلات اخلاقی را، بلکه بدتر خواهد کرد

خیزش‌های مردمی انجام شده است.<sup>۱</sup> به تعبیر ویلیام بولوم<sup>۲</sup> کارمند سابق وزارت خارجه امریکا و از بنیانگذاران و سردبیران روزنامه واشنگتن پرس، «سیاست خارجی ایالات متحده امریکا در هیچ مقطع زمانی از پایه اخلاقی خاصی برخوردار نبوده است.»<sup>۳</sup> اکثر دولت‌های انقلابی و مستقلی که به واسطه دسیسه‌های پنهان یا عملیات مداخله‌جویانه واژگون شدند، با دولت‌های دست‌نشانده مستبد و هماهنگ با سیاست‌ها و منافع امریکا جایگزین

شدند. به طور مثال با سقوط آئنده در شیلی، ژنرال پینوشه روی کار آورده شد و با سقوط سوکارنو در اندونزی، ژنرال سوهارتو آمد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت: هیچ اصل انسانی و اخلاقی در سیاست خارجی امریکا وجود ندارد. آنچه برای سیاستمداران این کشور اصل خدشه‌ناپذیر بوده، کسب و افزایش قدرت و منافع مادی به هر قیمت است. در این راستا حمایت از دموکراسی یا حمایت از دیکتاتوری، هیچ رجحانی نسبت به یکدیگر ندارند و آنچه این دورا در نظرگاه نظام امریکا از هم متمایز ساخته و در اولویت قرار می‌دهد، عنصر قدرت و منافع بدون هر گونه اصل اخلاقی، انسانی و حقوق بشری است.

۱. خبرگزاری صدا و سیما، گروه سیاسی «روز ملی مبارزه با استکبار جهانی»، کد خبر: ۴۶۱۷۵۴۷، تاریخ انتشار: ۱۳۹۲/۸/۱۲.

## 2. William Blum

۳. ویلیام بلوم محقق، نویسنده و خبرنگار آزاد امریکایی است. او در سال ۱۹۶۷ از محل کارش در وزارت امور خارجه امریکا به دلیل نظرات متفاوتی که درباره نقش امریکا در جنگ ویتنام داشت، استعفا داد. بعد از آن بود که کمک کرد تا اولین روزنامه مستقل در واشنگتن شکل بگیرد، روزنامه واشنگتن پست. ویلیام از آن زمان به عنوان یکی از شناخته‌شده‌ترین و پیشروترین فرد مستقل در عرصه سیاست خارجی امریکا و از منتقدان جدی سیاست‌های امریکا شناخته می‌شود. وی همچنین یکی از نویسندگان مطرح وبسایت «آنتی امپایر ریپورت» است. کتاب اخیر او با عنوان *کشنده‌ترین صادرات امریکا: دموکراسی* یکی از پرفروش‌ترین آثار وی بوده است. ویلیام بلوم، در کتاب *کشتار امید* به شرح مداخلات امریکا و سازمان سیا، اعم از نظامی، تروریستی، جنگ روانی و غیره در تقریباً ۷۰ کشور مختلف از زمان جنگ جهانی دوم تا آخرین ویراست کتاب در سال ۲۰۰۴ پرداخته است. لحن جالب و علمی نویسنده، بسیاری از فعالان سیاسی و نویسندگان امریکا از جمله نوام چامسکی، گور ویدال، الیور استون، دکتر هلن کالدیکات و غیره را به تحسین این نویسنده و تلاش‌های شجاعانه او برای پرده برداشتن از اعمال امریکا، واداشته است. در این اثر به ۵۶ منطقه از مناطقی که امریکا در آنها مداخله کرده است پرداخته می‌شود.

۴. رک: ویلیام بلوم، *کشتن امید؛ مداخلات امریکا و سیا پس از جنگ جهانی دوم*، ترجمه منوچهر بیگدلی خمسه، تهران، اطلاعات، ۱۳۸۶.





## ۲. ترویج لیبرال - دموکراسی به مثابه ابزاری برای کسب و حفظ منافع امریکایی

حمایت امریکا از ایده دموکراسی، تنها به عنوان ابزاری است که منافع و برتری قدرت این کشور را حفظ کند و گسترش دهد؛ زیرا بدون چنین ایده‌ای برای امریکا، کشورهای دیگر مقاومت بیشتری در برابر او از خود نشان می‌دهند و راحت‌تر می‌توانند خود را با او به تعادل برسانند. در واقع ترویج ادبیات و گفتمان دموکراسی به سبک امریکایی موجب بازتولید ارزش‌های امریکا، تضعیف کشورهای رقیب و اثبات قدرت این کشور در گوشه و کنار جهان شده است؛ چرا که معیار دموکراتیک دانستن کشورها از نظر امریکا پایبندی به اصول و هنجارهای لیبرالیسم است و ترویج اصول دموکراتیک همواره همراه و ملازم ترویج اصول لیبرالیسم بوده است. در نتیجه اثرات ناشی از ترویج دموکراسی در کشورها، بازیگرانی را رقم می‌زند که همسویی با ارزش‌های امریکارا حس می‌کنند و چالش جدی برای منافع حیاتی امریکا ایجاد نمی‌کنند. پذیرش لیبرال - دموکراسی باعث می‌شود که بازیگران منافع خود را در جهت منافع امریکا بازتعریف نمایند و خودخواسته به سمت تأمین منافع هژمونی امریکا قدم بردارند. نکته اساسی بعدی اینجاست که امریکا و اروپا به گواه تاریخ، زمانی از ایده ترویج دموکراسی سخن می‌گویند که عملاً دیگر نتوانند از دیکتاتورهای گوش به فرمان خود در برابر خیزش‌های عظیم مردمی حمایت نمایند. به تعبیر نوام چامسکی<sup>۱</sup> الگو و روش استاندارد امریکا در حمایت از دیکتاتورها این است که پس از گذشت تاریخ مصرف دیکتاتورها و غیر قابل دفاع بودن آنها، سمت و سوی رفتارهای خود را تغییر داده و به محو کردن و سرپوش نهادن بر حمایت‌های بی‌دریغ خود از این دیکتاتوری‌ها می‌پردازد.<sup>۲</sup> بنابراین امریکا در راستای منافع ژئوپولیتیک خود همچنان که هیچ دشمن دائمی ندارد، هیچ متحد مادام‌العمری نیز نداشته و به راحتی به متحدان خود خیانت می‌کند. امریکا حداقل در یکصد سال اخیر در کنار ادعای

### 1. Noam Chomsky

۲. نوام چامسکی زبان‌شناس، فیلسوف آنارشویست و نظریه پرداز امریکایی است. از او به عنوان پدر زبان‌شناسی مدرن یاد می‌شود. چامسکی روشنفکری شناخته شده و منتقد سیاست خارجی ایالات متحده و دولت‌های دیگر است. وی در زمان جنگ ویتنام به عنوان منتقد اجتماعی سیاست خارجی امریکا به شهرت رسید. نخستین اثر سیاسی مهم او کتاب قدرت/ امریکا و ماندگارین‌های نوین (۱۹۶۹) بود که در انتقاد به طبقه روشنفکران لیبرال نوشته شده بود. درک چامسکی از ساز و کار امپریالیسم امریکا و توانایی همیشگی او برای فهم دورنمای کلی سیاست‌های امریکا به مخالفت او با دخالت نظامی امریکا در کوزوو، افغانستان و عراق و همچنین جنگ بوش بر ضد تروریسم منجر شد. او در سال ۱۹۸۰ بر کتاب روبر فور یسون که در حقیقت داشتن هولوکاست تردید کرده بود، مقدمه‌ای نوشت. اگرچه این مقدمه تنها به دفاع از آزادی بیان می‌پرداخت، با واکنش‌های سختی مواجه شد. وی بعدها آشکار ساخت که از وی مطالبی در دفاع از آزادی بیان خواسته شده بود و او از استفاده از آن به عنوان مقدمه کتاب مذکور اطلاع نداشت!

3. <https://www.tasnimnews.com/1396/07/12/1536650>

نگاهی به روابط امریکا با کشورهای آسیایی، آفریقایی، برخی کشورهای اروپایی و امریکایی نشان می‌دهد که این روابط بر اصل منافع ژئوپولیتیک امریکا استوار بوده است. حکومت‌های دیکتاتوری همواره تحت حمایت‌های کاخ سفید بوده و این حمایت‌ها تا آخرین دقایق عمر این حکومت‌ها ادامه داشته و پس از آن نیز در صورت سقوط چنین حکومت‌هایی حمایت امریکا در قالب جهت‌دهی به خیزش‌های مردمی انجام شده است

سیاست ترویج دموکراسی و تبلیغ پیرامون حقوق بشر و آزادی، هیچ‌گاه عملاً حمایت بی‌دریغ خود را از حکومت‌های غیر مردمی و دیکتاتوری بر نداشتند و البته در بزنگاه‌هایی که منفعتی از جانب هم‌پیمانان نصیبش نشده، به راحتی آنان را فدای منافع خود کرده است. در واقع باید گفت امریکا همواره به دو گروه ضربه زده است؛ یکی آنان که از ابتدا مطیع بوده و خود را هم‌پیمان این کشور دانسته‌اند و گروه دوم کشورهای که از مخالفان سیاسی و ثنوریک امریکا بوده

ولی در مقطعی تحت فشارهای سیاسی، رسانه‌ای، نظامی و اقتصادی برای مدتی کرنش کرده و طبعاً زهر این کرنش را نیز چشیده‌اند.

### ۳. دخالت امریکا در کشورهای جهان از سال ۱۸۸۶ میلادی تا ۲۰۱۳

تنها در نیمه دوم قرن بیستم، ایالات متحده امریکا حدود ۱۰۰ کودتای نظامی و براندازی حکومت را طراحی و رهبری کرده است. همچنین ده‌ها بار به طور مستقیم دست به اشغال نظامی کشورها زده یا آنها را تهدید به مداخله نظامی کرده است. روند مداخلات امریکا در کشورهای جهان طی بازه زمانی یک قرن گذشته که طی آن ۱۶ رئیس‌جمهور از دو حزب دموکرات و جمهوری خواه دولت را در این کشور در دست داشته‌اند خاصه از جنگ جهانی دوم، کشورهای تحت سلطه صحنه اصلی دخالت‌ها، کودتاهای نظامی، شبه کودتاها و ضد کودتاها و نیز استقرار دیکتاتوری‌های نظامی بوده‌اند.<sup>۱</sup> به عبارت دیگر پدرخوانده دموکراسی و حقوق بشر، در کمتر از نیم قرن، برای سرنگونی بیش از چهل دولت مستقل، و سرکوب بیش از سی جنبش مردمی و شرارت و فتنه‌انگیزی در بیش از دو، سوم جهان دست به اسلحه یا کودتا برده تا همه چیز را مطابق با استانداردهای پذیرفته شده اتوپییای امریکایی کند.<sup>۲</sup>

۱. برای آگاهی از جنایت‌ها و دخالت‌های امریکا در امور کشورهای دیگر رک: الف. ویلیام بلوم، همان؛ ب. ویلیام بلوم، دولت خودسر؛ کتابی راهنما برای معرفی تنها ابرقدرت جهان: امریکا، ترجمه جمعی از مترجمان، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۳.

۲. ویلیام بلوم، کشتن امید؛ مداخلات ارتش امریکا و سیا پس از جنگ جهانی دوم، همان، ص ۱۴.



به تعبیر نوام چامسکی الگو و روش استاندارد امریکا در حمایت از دیکتاتورها این است که پس از گذشت تاریخ مصرف دیکتاتورها و غیر قابل دفاع بودن آنها، سمت و سوی رفتارهای خود را تغییر داده و به محو کردن و سرپوش نهادن بر حمایت‌های بی‌دریغ خود از این دیکتاتوری‌ها می‌پردازد

در این باره به سادگی می‌توان برآورد کرد که کاربرد گسترده شیوه‌هایی چون تهدید، کودتا، اشغال نظامی و غیره، تا چه اندازه به استقلال کشورها و به فرآیند تصمیم‌گیری دولت‌ها صدمه و زیان وارد می‌آورد. مروری بر جنایات و مداخلات نظامی امریکایی‌ها بین سال‌های ۱۸۸۶ تا ۲۰۱۳ میلادی که به نحوی در تاریخ ثبت شده است نشان می‌دهد که این کشور حداقل ۲۴۵ بار به حقوق کشورهای دیگر تجاوز

کرده است. البته آن بخش که هنوز تاریخ‌نگاری نشده را واگذار می‌کنیم به آیندگان که تاریخ امروز را می‌نگارند!

در یک محاسبه ابتدایی، ویلیام بلوم در کتاب *دولت خودسر*<sup>۱</sup> فقط در مورد ترور یا طراحی ترور، فهرستی از افراد، شخصیت‌ها و رهبران مشهور کشورهایی را ردیف می‌کند که امریکا از پایان جنگ جهانی دوم دست به ترور آنها زده یا نقشه ترور آنها را کشیده بود و به دلایلی موفق به ترور این افراد نشدند. این وظیفه به عهده کمیته‌ای در سازمان سیا یا سازمان‌های امنیتی و مخفی امریکا بود که به آن کمیته اصلاح سلامت سازمان می‌گفتند:<sup>۲</sup>

۱. کتاب در ۲۷ فصل سامان یافته است، عناوین این فصول عبارت‌اند از: چرا تروریست‌ها ایالات متحده را بی‌در پی مورد حمله قرار می‌دهند؟، هدیه امریکا به جهان، دست‌پرورده‌های تروریست افغانی، ترورهای سیاسی، گزیده‌هایی از انتشارات ارتش امریکا، دستورالعمل‌های آموزشی سازمان سیا، شکنجه، افراد ناباب، تربیت انسان‌های ناباب جدید، جنایت کاران جنگی ما و آنها، پناهگاهی برای تروریست‌ها، حمایت از پل پوت، بمباران‌ها، اورانیوم ضعیف‌شده، بمب‌های خوشه‌ای، استفاده ایالات متحده امریکا از سلاح‌های شیمیایی و بیولوژیک در خارج، استفاده ایالات متحده از سلاح‌های شیمیایی و بیولوژیک در داخل کشور، ترغیب سایر کشورها از سوی ایالات متحده برای به کارگیری سلاح‌های بیولوژیک و شیمیایی، تاریخچه مداخلات جهانی ایالات متحده از ۱۹۴۵ تاکنون، دخالت در انتخابات، اسب تروا: موقوفه ملی برای دموکراسی، رویارویی ایالات متحده با جهان، در سازمان ملل، استراق سمع روی کره زمین، آدم‌ربایی و غارت، چگونه سیانلسون ماندلا را ۲۸ سال به زندان فرستاد، سازمان سیا و مواد مخدر، فقط بگویید: «چرا [انجام ندهم]؟»، تنها ابرقدرت جهان بودن؛ یعنی هرگز مجبور به عذرخواهی نبودن، ایالات متحده به دلیل اقتصاد آزاد تهاجم می‌کند، بمباران می‌کند، می‌کشد؛ اما آیا امریکایی‌ها...، یک روز زندگی در یک کشور آزاد.

۲. ویلیام بلوم، *کشتن امید، مداخلات/ ارتش امریکا و سیا پس از جنگ جهانی دوم*، همان، ص ۶۹-۶۷.

## ترورهای سیاسی

من نمی‌خواهم همه را نابود کنم... فقط دشمنانم را نابود خواهم کرد.

مایکل کرلیون، بذر تمیدی، بخش ۲

در روز ۲۶ ژوئن سال ۱۹۹۳، رئیس‌جمهور کلینتون در حضور مردم آمریکا اعلام کرد که این کشور، امروز چندین موشک به سمت عراق شلیک کرده است. بعداً مشخص شد که این موشک‌ها به کشته شدن هشت نفر و زخمی شدن تعداد زیادی منجر شده است. رئیس‌جمهور گفت که این حمله، به دلیل توطئه عراق برای ترور رئیس‌جمهور سابق، یعنی «بوش» که عازم دیدار از کویت بوده، صورت گرفته است. (این توطئه ادعا شده، همان طور ادعا شده باقی مانده است.)<sup>۱</sup> کلینتون اعلام کرد که به منظور فهماندن خطر به آنانی که در تروریسم دولتی دست دارند و به قصد تأکید بر انتظار رفتار متمدانه در میان ملتها، این حمله ضروری بود.<sup>۲</sup>

لیستی که در ذیل می‌آید، نام افراد مشهور خارجی است که ایالات متحده در ترور (یا طراحی ترور) از زمان پایان جنگ جهانی دوم دست داشته‌اند. (افراد بذله‌گو در سازمان سیا گاهی اوقات به این نوع عملیات، به عنوان عملیات «خودکشی» که به شکل غیرارادی انجام می‌پذیرد» اشاره می‌کنند که کمیته اصلاح سلامت سازمان، آن را به اجرا درمی‌آورد:

۱۹۴۹ - کیم کو، رهبر مخالفان کره؛

دهه ۱۹۵۰ - لیست قربانیان سیا و تونازیه‌ها که شامل بیش از دویست سیاستمدار در آلمان غربی بود که در صورت حمله شوروی، باید از سر راه برداشته می‌شدند؛



دهه ۱۹۵۰ جو انلای، نخست‌وزیر چین. در طول زندگی وی، چندین بار برای ترور او تلاش شد:

دهه ۱۹۵۰ و سال ۱۹۶۲ - رئیس‌جمهور اندونزی؛

۱۹۵۱ - محمد مصدق، نخست‌وزیر ایران؛

اواسط دهه ۱۹۵۰ - کلارو. ام. رکتو، رهبر مخالفان فیلیپین؛

۱۹۵۵ - جواهر لعل نهرو، نخست‌وزیر هند؛

۱۹۵۷ - جمال عبدالناصر، رئیس‌جمهور مصر؛

۶۹ و ۶۳ - ناردن سیانک، رهبر کامبوج؛

۱۹۶۰ - سرتیپ عبدالکریم قاسم، رهبر عراق؛

دهه‌های ۱۹۵۰ - ۱۹۷۰، خوزه فیگرس، رئیس‌جمهور کاستاریکا [که] در طول زندگی، دو بار به ترور وی اقدام شد؛

۱۹۶۱ - فرانسوا «پاپاداک» دووالیه، رهبر هائیتی؛

۱۹۶۱ - پاتریس لومومبا، نخست‌وزیر کنگو؛

۱۹۶۱ - ژنرال رافائل تروهیو، رهبر جمهوری دومینیکن؛

۱۹۶۳ - انگو دین دیم، رئیس‌جمهور ویتنام جنوبی؛

دهه ۱۹۶۰ - فیدل کاسترو، رئیس‌جمهور کوبا [که] تلاشها و نقشهای فراوانی برای ترور وی در طول زندگی صورت گرفته است؛

دهه ۱۹۶۰ - راتول کاسترو، مقام بلندپایه دولت کوبا؛

۱۹۶۵ - فرانسیسکو گامانو، رهبر مخالفان جمهوری دومینیکن؛

۱۹۶۵ - ۱۹۶۶ شارل دوگل، رئیس‌جمهور فرانسه؛

۱۹۶۷ - چه گوارا، یکی از رهبران کوبا؛

۱۹۷۰ - ژنرال رنه اشنایدر، رئیس ارتش شیلی؛

دهه ۱۹۷۰ و سال ۱۹۸۱ - ژنرال عمر تاریهاس، رهبر پاناما؛

۱۹۷۲ - ژنرال مانوئل نوریه‌گا، رئیس سازمان اطلاعاتی پاناما؛

فصل ۳/ ترورهای سیاسی □ ۶۹

۱۹۷۵ - موبوتو سه‌سه سکو، رئیس‌جمهور زئیر؛

۱۹۷۶ - مایکل مانلی، نخست‌وزیر جامائیکا؛

۱۹۸۰ - ۱۹۸۶ - معمر قذافی، رهبر لیبی [که] تلاشها و نقشهای فراوانی برای ترور وی در طول زندگی‌اش صورت گرفت؛

۱۹۸۲ - آیت‌الله خمینی، رهبر ایران؛

۱۹۸۳ - ژنرال احمد دلیمی، فرمانده ارتش مراکش؛

۱۹۸۳ - میگوئل دواسکوتو، وزیر امور خارجه نیکاراگوآ؛

۱۹۸۴ - نه تن از رهبران مبارز ستاد ملی ساندینیستها؛

۱۹۸۵ - سید محمد حسین فضل‌الله، رهبر شیعیان لبنان (به یادداشت زیر مراجعه کنید)؛

۱۹۹۱ - صدام حسین، رهبر عراق؛

۱۹۹۸ - أسامه بن لادن، مبارزه برجسته مسلمان؛

۱۹۹۹ - اسلوبودان میلوسویچ، رئیس‌جمهور یوگسلاوی.





#### ۴. رویکرد غیردموکراتیک امریکایی در داخل

امریکا در حالی از دموکراسی سخن می‌گوید که از سال ۱۸۸۶م تاکنون در رویکردی غیردموکراتیک در عمل، قریب به ۳۰ حرکت مردمی که بیشتر توسط جنبش‌های عدالت‌خواهی و ضد تبعیض نژادی در ایالات مختلف این کشور بوده‌اند را از طریق میلیتاریستی سرکوب کرده است و در شرایط فعلی نیز سیاه‌پوستان در این کشور در شرایط عادی و اعتراض مورد تعرض و خشونت شدید پلیس قرار می‌گیرند و کشته و بازداشت می‌شوند. دولت امریکا که بر بنیاد لیبرالیسم بنا شده است و مدعی آزادی و دموکراسی است در داخل نسبت به جریان‌ها و جنبش‌های معترض و عدالت‌خواه و مخالف تبعیض نژادی رفتاری به غایت ضد دموکراسی دارد. دولت و نهادهای زیرمجموعه آن با نادیده گرفتن اصول مندرج در قانون اساسی برآمده از ایدئولوژی لیبرالیسم چهره دیکتاتوری ملی در رفتار با جنبش‌های اجتماعی و سیاسی مخالف از خود به نمایش گذاشته است. رفتار مقامات و نهادهای امریکایی در نقض تعهدات قانونی و هنجاری نسبت به اراده عمومی و قانون اساسی در بخش آزادی‌های سیاسی و مدنی، محدود به جغرافیا و جمعیت مشخصی نیست بلکه دایره وسیعی از جمعیت و جغرافیای این کشور را در برمی‌گیرد. در جدول زیر این موضوع نشان داده شده است.

جدول شماره (۱)؛ نقض عهد‌ها و جنایات امریکا در برخورد با مردم خود

۱. نقض عهد و خیانت در قاره امریکا	۱.۱. داخل امریکا
	۱.۱،۱. شیکاگو، سرکوب خونین تظاهرات کارگران - ۱۸۸۶م
	۱.۱،۲. داکوتای جنوبی، کشتار ۳۰۰ تن از سرخپوستان - ۱۸۹۰م
	۱.۱،۳. شیکاگو، سرکوب اعتصاب کارگران راه آهن - ۱۸۹۴م
	۱.۱،۴. مینسوتا، سرکوب سرخپوستان چیپوو - ۱۸۹۸م
	۱.۱،۵. آیداهو، اشغال منطقه معادن کوئر دآلن (coeur d' alene mines) - ۱۸۹۲
	۱.۱،۶. اوکلاهوما، سرکوب شورش سرخپوستان کریک - ۱۹۰۱م
	۱.۱،۷. کلورادو، سرکوب اعتصاب معدنچیان - ۱۹۱۴م
	۱.۱،۸. تگزاس، سرکوب قیام مکزیکی - امریکایی‌ها - ۱۹۱۵م
	۱.۱،۹. ویرجینیای غربی، حمله به معدنچیان - ۲۱ و ۱۹۲۰م
	۱.۱،۱۰. واشینگتن دی سی، سرکوب سربازان جنگ جهانی اول - ۱۹۳۲م
	۱.۱،۱۱. دیترویت، سرکوب شورش سیاهان - ۱۹۴۳م
	۱.۱،۱۲. دیترویت، سرکوب خونین جنبش سیاهان - ۱۹۶۷م



- ۱،۱،۱۳. آمریکا، سرکوب «حزب پلنگان سیاه» - ۸۰ تا ۱۹۶۶ م  
 ۱،۱،۱۴. نیویورک، ترور ملکوم ایکس - ۱۹۶۵ م  
 ۱،۱،۱۵. پورتوریکو، سرکوب قیام استقلال طلبان در پانس - ۱۹۵۰ م  
 ۱،۱،۱۶. پورتوریکو، بیرون کشیدن از چنگ اسپانیا - ۱۸۹۸ م  
 ۱،۱،۱۷. گوام، بیرون کشیدن از چنگ اسپانیا - ۱۸۹۸ م  
 ۱،۱،۱۸. داکوتای جنوبی، محاصره سرخپوستان شورشی در لاکوتاس - ۱۹۷۳ م  
 ۱،۱،۱۹. یداهو، سرکوب اعتصاب کارگران معدن نقره - ۱۸۹۲ م  
 ۱،۱،۲۰. فیلادلفیا، سرکوب «سازمان حرکت» - ۸۵ تا ۱۹۷۲ م  
 ۱،۱،۲۱. ممفیس، ترور مارتین لوتر کینگ در تنسی و اشغال شهرها - ۱۹۶۸ م  
 ۱،۱،۲۲. جزایر ورجین، سرکوب شورش سیاهان در سنت گروویکس - ۱۹۸۹ م  
 ۱،۱،۲۳. لس آنجلس، سرکوب شورش مردم - ۱۹۹۲  
 ۱،۱،۲۴. حمله به واکو محل فرقه دیویدیان در ۲۸ فوریه ۱۹۹۳ و سوزاندن بیش از ۵۰ نفر  
 ۱،۱،۲۵. نیویورک، سرکوب وحشیانه جنبش اشغال «وال استریت»  
 ۱،۱،۲۶. سرکوب جنبش وال استریت یا یک درصد در مقابل ۹۹ درصد - ۱۷ سپتامبر ۲۰۱۱  
 ۱،۱،۲۷. سرکوب جنبش اعتراضی سیاهان به خشونت پلیس ۲۰۱۶-۲۰۱۵  
 ۱،۱،۲۸. منطقه «گایانا» در ایالت سانفرانسیسکو - سرکوب «معبد خورشید» و قتل عام ۹۱۱ شهروند آمریکایی عضو آمریکا در سال ۱۹۷۸.

## ۵. نقض عهدها و جنایات آمریکا در برخورد با کشورهای مستقر در قاره آمریکا

رابطه آمریکا با کشورهای آسیایی، آفریقایی و آمریکایی نشان می‌دهد که این روابط بر اصل منافع ژئوپولیتیک آمریکا حاکم بوده است. حکومت‌های دیکتاتوری همواره تحت حمایت‌های کاخ سفید بوده و این حمایت‌ها تا آخرین دقیق عمر این حکومت‌ها ادامه داشته و پس از آن نیز در صورت سقوط چنین حکومت‌هایی حمایت آمریکا در قالب جهت‌دهی به خیزش‌های مردمی انجام شده است. نکته قابل تأمل آن است که سرکوب حرکت‌ها و جنبش‌های مردمی ضد دیکتاتوری بوده و آمریکا در حمایت از دیکتاتورها اقدام به اشغال یک کشور، حمایت از یک قدرت یا فرد دیکتاتور کرده است. در این قسمت به اختصار اما با ذکر نمونه‌هایی بر جسته به تفکیک کشور، زمان و ماهیت این اقدامات اشاره می‌کنیم.



## ۱. نقض عهد و خیانت در قاره آمریکا

## ۲. کشور آرژانتین

امریکا در چهار دوره تعامل با دولت آرژانتین بر خلاف شعار و ادعای دموکراسی در سرکوب حرکت‌های مردمی، نقش کلیدی داشته و به حمایت از حکومت دیکتاتوری در این کشور پرداخته است. سرکوب اعتراضات مردمی در چهار دوره مشخص و حمایت از حکومت نظامیان بخشی از کارنامه مداخلات آمریکا در آرژانتین است:

دوره اول؛ ۱۸۹۰م و حمایت آمریکا از حکومت نظامی‌ها در آرژانتین؛

دوره دوم؛ ۸۳ تا ۱۹۶۶م و حمایت از حکومت نظامیان؛

بالآخره دوره سوم دولت دموکراتیک آرژانتین با کودتای نظامی سازمان سیا در ۲۴ مارس ۱۹۷۶ سرنگون شد.

بعدها کسینجر مشاور امنیت ملی وقت آمریکا اعتراف کرد که کاخ سفید از دولت کودتا حمایت کرده است. بدین ترتیب وی بر جنگ ناعادلانه‌ای صحنه گذاشت که در آن ۳۰ هزار نفر که اکثر آنها جوان بودند کشته شدند و حدود ۴۰۰ کودک نیز به سرقت رفت.

دوره چهارم؛ در سال ۲۰۱۲م آمریکا با سرکوب تظاهرات میلیونی مردم، از حکومت مطلوب خود در آرژانتین حمایت کرد.

## ۱. نقض عهد و خیانت در قاره آمریکا

## ۳. کشور هائیتی

امریکا در سه دوره تعامل با دولت هائیتی نیز بر خلاف شعار و ادعای دموکراسی در سرکوب حرکت‌های مردمی نقش کلیدی داشته و به حمایت از حکومت دیکتاتوری در این کشور پرداخته است. سرکوب حرکت‌های دموکراتیک مردمی و حمایت از حکومت نظامیان در سه دوره بوده است؛ دوره اول ۱۸۹۱ هائیتی سرکوب اعتراضات مردمی معروف به شورشیان «نواسا»، دوره دوم ۱۳ سال بعد یعنی در ۳۴-۱۹۱۴ هائیتی ۱۹ سال اشغال پس از سرکوب قیام مردم، دوره سوم، در سال ۱۹۹۴ هائیتی بازگرداندن آریستید به قدرت و ۲۰۰۴-۲۰۰۵ هائیتی اشغال نظامی در «حمایت» از «آرستید». بیش از ۲۰۰ سال بعد از شورش بردگان علیه نظامیان ناپلئون که منجر به شکل‌گیری ملت هائیتی شد مردم زجر کشیده این کشور در نهایت توانستند در یک انتخابات یک حکومت دموکراتیک واقعی را تحت رهبری «جین برتراند آریستید» در سال ۱۹۹۱ بر سر کار بیاورند. اما حکومت آریستید تنها پس از ۸ ماه دوام، در یک کودتای نظامی مورد حمایت آمریکا سرنگون شد. هر چند دوباره آریستید با حمایت مردمی توانست در سال ۲۰۰۰ دوباره بر سر کار بیاید. اما کودتای سال ۲۰۰۴ که بار دوکشی و ایجاد خشونت هائیتی را به بی‌ثباتی کشاند، باعث شد تا بهانه برای آمریکا برای خارج کردن آریستید از قدرت ایجاد شود. البته سه سال بعد از کودتا سربازان رئیس‌جمهور، آریستید را دوباره به دفترش بازگرداندند.

جدول شماره (۲)؛ نقض عهد‌ها و جنایات آمریکا در برخورد با کشورهای مستقر در

## قاره آمریکا

۱. نقض عهد و خیانت در قاره آمریکا

۴.۱. کشور کوبا

تجاوز و تعرض امریکا به کشور کوبا در چند دوره مختلف قابل بررسی است: دوره اول؛ ورود به جنگ با اسپانیا (۱۹۰۲-۱۸۹۸)؛ پس از بیرون کشیده شدن کوبا از جنگ اسپانیا، در ۱۰ مارس ۱۹۵۲ امریکا اقدام به حمایت از ژنرال «باتیستا» کرده و او را به کودتا در کوبا تشویق کردند و پس از اینکه باتیستا قدرت را در کشور به دست گرفت، دیکتاتوری وابسته خود را در این کشور به اجرا گذاشت.

دوره دوم؛ دخالت در فرآیند انتخابات کوبا از سال ۰۹-۱۹۰۶، دخالت در انتخابات ۱۹۱۲، اشغال نظامی کوبا در ۳۳-۱۹۱۷ و قیمومیت اقتصادی؛ دوره سوم؛ ۱۹۵۹ حمایت از حکومت در مقابل انقلاب مردم و حمایت از حمله نظامی مرتجعین تبعیدی در سال ۱۹۶۱؛

دوره چهارم؛ تهدید و تحریم، محاصره کشور و تهدید اتمی در سال ۱۹۶۲.

دوره پنجم؛ ۱۳-۲۰۰۲ خرید زمین زندان «گوانتانامو» به مبلغ ۴۰۰۰۰۰ هزار دلار و تبدیل آن به شکنجه گاه مخالفان در جهان.

۱. نقض عهد و خیانت در قاره آمریکا

۵.۱. کشور نیکاراگوئه

تعامل امریکا با نیکاراگوئه نیز زنجیره ای از تهدید و اشغال را شامل می شود. دوره اول، اشغال بندر سان خوان دلسور در سال ۱۸۹۸ و اشغال بخش های دیگر در سال ۱۸۹۹؛ دوره دوم، ایجاد قیمومیت بر این کشور در سال ۱۹۰۷؛ دوره سوم، طراحی شورش و حمایت دولت، سازماندهی «کانترا» بر علیه انقلاب مردم در سال ۹۰-۱۹۷۹؛ دوره چهارم، اشغال بخشی از خاک این کشور، اشغال بلوفیلدز و کورینتو در سال ۱۹۱۰؛ دوره پنجم، جنگ علیه چریک های آزادی بخش در سال های ۳۳-۱۹۱۲.

۱. نقض عهد و خیانت در قاره آمریکا

۶.۱. کشور هندوراس

مداخله و نقض عهدهای امریکا در هندوراس نیز در ادوار مختلف وجود داشته است و در هر مقطع صورت خاصی از امریکا را می توان دید. سرکوب انقلاب مردم ۱۹۰۳، ۱۹۱۹ هندوراس، اشغال نظامی در دوران انتخابات و دو دفعه دخالت در نزاع انتخاباتی ۲۵-۱۹۲۴؛ ۱۹۰۷ دخالت در جنگ هندوراس با نیکاراگوئه، اشغال موقت هندوراس؛ دخالت در جنگ های داخلی در سال ۱۹۱۲؛ ۱۹۱۱ دخالت در جنگ داخلی و ۸۹-۱۹۸۳ هندوراس ایجاد پایگاه های نظامی در مناطق مرزی.





۱. نقض عهد و خیانت در قاره آمریکا	۷.۱. کشور گواتمالا	<p>سازمان سیا با براندازی سازماندهی ارتش گواتمالا، دولت مردمی «جاکوبو آرینز» رئیس‌جمهور این کشور را که سیاست ملی کردن زمین‌های متعلق به شرکت امریکایی را دنبال می‌کرد، سرنگون کرد. گواتمالا در سال ۱۹۴۷ از سوی آمریکا تهدید به حمله اتمی شد؛ در ۲۷ ژوئن ۱۹۵۴ با بکارگیری نیروی هوایی و بمباران پایتخت گواتمالا و مناطق اطراف آن در این کشور اقدام به کودتایی نظامی کرد. ریگان، رئیس‌جمهور وقت آمریکا فردی دیکتاتور و وابسته به آمریکا به نام آرمز را به عنوان رئیس‌جمهور گواتمالا منصوب کرد. امریکایی‌ها همچنین کارنامه سباهی شامل حمایت از مرتجعین تبعیدی و جنگ کلاه‌سبزها با شورشیان ۶۷-۱۹۶۶ را در کارنامه خود علیه گواتمالا دارند.</p>
۱. نقض عهد و خیانت در قاره آمریکا	۸.۱. کشور مکزیک	<p>مداخله در مکزیک در سال ۱۹۱۳؛ تخلیه امریکایی‌ها در دوران انقلاب؛ چندین لشکرکشی علیه ناسیونالیست‌ها ۱۸-۱۹۱۴؛ حمله هوایی به شورشیان در کالس ۱۹۲۳.</p>
۱. نقض عهد و خیانت در قاره آمریکا	۹.۱. کشور پاناما	<p>تاریخ پاناما مملو از دخالت‌های آمریکا بوده و مردم این کشور شاهد سرکوب مکرر اعتراضات عمومی و دخالت‌های امریکایی‌ها در انتخابات و حمایت از دیکتاتوری در این کشور بوده‌اند. این اقدامات ضد حقوقی و ضد دموکراتیک، مصادیق و نمونه‌های بسیاری دارد؛ دخالت در انتخابات ۱۹۰۸ و ۱۹۱۲ و همچنین سرکوب مبارزات مردم پاناما پس از انتخابات ۲۰-۱۹۱۸؛ سرکوب اعتصاب عمومی ۱۹۲۵؛ کشتار مردم به خاطر کانال پاناما در سال ۱۹۶۴؛ سرکوب تظاهرات «پرچم» ۱۹۵۸؛ پاناما حمله نظامی و سرنگونی حکومت نوریگا ۱۹۸۹؛ در ۲۰ سپتامبر ۱۹۸۹ نظامیان امریکایی کشور پاناما را به دستور «جرج بوش» پدر، رئیس‌جمهور وقت آمریکا با کشتن بیش از دو هزار نفر به اشغال خود در آوردند و ژنرال «مانوئل نوریگا»، رهبر وقت پاناما را بازداشت و در امریکا محاکمه کردند.</p>

### ۱. نقض عهد و خیانت در قاره آمریکا

#### ۱.۰. کشور شیلی

حضور آمریکا در این کشور آمریکایی در سه مقطع تاریخی از برجستگی ویژه‌های برخوردار است که هر سه مقطع مؤید رویکرد و سیاق سیاسی دیکتاتور مابانه این کشور در برخورد با جریان‌های مردمی، سیاستمداران مخالف آمریکا و جنبش‌های دموکراتیک است. تلاش‌های آمریکا در این کشور نتیجه عیان داشت و آن حاکم کردن چهره‌های دیکتاتور و وابسته به آمریکا در شیلی بود که در سه محور به آن اشاره می‌شود:

- طراحی و اجرای کودتا علیه «سالوادور آلنده»، رئیس‌جمهور وقت شیلی از سوی سازمان اطلاعات و جاسوسی آمریکا در ۱۱ سپتامبر ۱۹۷۳ که در نتیجه آن نه تنها آلنده کشته شد بلکه ۳۰ هزار نفر نیز اعدام و بازداشت و ۱۰۰ هزار نفر شیلیایی زندانی شدند.

- بنا به اعتراف ویلیام کولب، مدیر وقت سازمان اطلاعات و جاسوسی آمریکا-سیا (در ۸ سپتامبر ۱۹۷۴) دولت نیکسون طی سال‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۳ بیش از ۸ میلیون دلار را به فعالیت‌های سازمان سیا در شیلی اختصاص داده بود تا موانعی بر سر راه دولت سالوادور آلنده و فعالیتش در این کشور ایجاد کند و او را از پیش‌رو بردارد. - کودتای نظامیان و کشتار مردم در سال ۱۹۷۳ (۹۰-۱۹۷۳) و حمایت از «پینوشه» در سرکوب مردم؛ حمایت از سرکوب شورش دانشجویان (۱۳-۲۰۱۱).

### ۱. نقض عهد و خیانت در قاره آمریکا

#### ۱.۱. کشور دومینیک

در این کشور آمریکایی نیز ورود آمریکایی‌ها با رویکرد ضد مردمی و چهره ضد دموکراتیک است، که انگیزه و هدف غایی آن حمایت از دیکتاتوری و ایجاد دولت وابسته است. آمریکایی‌ها با برنامه‌ای از پیش طراحی شده این کشور را تحت فشارهای سنگین روانی، اقتصادی، سیاسی و سرکوب خشن نظامی به اشغال درمی‌آورند.

در همین راستا نیروهای نظامی آمریکا در دو دوره کشور دومینیک را مورد حمله قرار دادند و قیام‌های مردمی را که رویکرد ضد استبدادی و ضد امپریالیستی داشت سرکوب کردند. پیاده‌نظام نیروی دریایی آمریکا قیام مردم «دومینیک» را که در دریای کارائیب واقع شد سرکوب کرد و پس از تصرف کامل این کشور در ابتدای سال ۱۹۶۵ به مدت ۸ سال این کشور را به اشغال خود درآورد.

در ۲۸ آوریل ۱۹۶۵ آمریکا بار دیگر و به دنبال قیام مردم دومینیک، در این کشور دخالت نظامی نمود. نکته حائز توجه اینکه این دیکتاتور متحدگش، پس از براندازی «رافائل تروخیو»، رئیس‌جمهوری دومینیک و متحد خود سرانجام وی را کشت.





۱. نقض عهد و خیانت در قاره آمریکا	۱۲.۱. کشور کلمبیا	<p>دو مسئله اساسی در کلمبیا، یعنی مواد مخدر و حمایت از دیکتاتورها بهانه اصلی امریکایی‌ها برای سرکوب جنبش‌های آزادی خواهانه، جنبش‌های اجتماعی و نخبگان و مقامات استقلال طلب در این کشور بوده است. دوران حضور امریکا در این کشور نیز پر از موارد نقض حقوق بشر، نقض قواعد دموکراتیک و جنایات و قتل‌عام‌های عمومی است.</p> <p>امریکا در سال ۱۹۹۷ با حمایت از «دیاگو موریلو-بجارانو» و هم‌دستانش، پس از دخالت نظامی امریکا دولت «پابلو اسکوبر» را سرنگون کرد.</p> <p>اگرچه بهانه امریکا برای دخالت نظامی علیه اسکوبر مبارزه علیه مواد مخدر بود اما در عوض این کشور از گروهی در کلمبیا حمایت کرد که طی ده سال بعد مسئول ۷۵٪ از قتل‌های وحشیانه مردم کلمبیا بود.</p> <p>کشتار دو میلیون نفر ۷۵-۱۹۶۹؛ کشتار سرنشینان کشتی «مایاگوز» با گاز سمی در سال ۱۹۷۵؛ حمله نیروهای ویژه برای حفاظت خط لوله نفت ۲۰۰۳.</p>
۱. نقض عهد و خیانت در قاره آمریکا	۱۳.۱. کشور برزیل	<p>حمایت از حکومت نظامیان ۸۵-۱۹۶۴؛ در ۱۹۶۴ ژنرال «کاستلو برانسو» توانست با کمک و حمایت ایالات متحده امریکا کودتایی را برپا کند که در نتیجه آن بیست سال بر این کشور ظالمانه حکومت کرد. حمایت از حکومت در سرکوب شورش‌های مردم ۲۰۱۳ و مقابله با طرح ملی شدن صنعت لوکوموتیوسازی در برزیل؛ توافق برای تأمین روغن سوخته مورد نیاز اما در یک اقدام خصمانه با فروش روغن‌های سوخته و بی کیفیت، تمام صنعت لوکوموتیوسازی برزیل را با شکست مواجه کرد. امریکا رئیس‌جمهور برزیل، «گولارت» که با رأی مردم روی کار آمده بود را در مارس ۱۹۶۴ سرنگون کرد.</p>
۱. نقض عهد و خیانت در قاره آمریکا	۱۴.۱. کشورهای دیگر	<p>۱،۱،۱۴. آنگولا؛ سازماندهی نیروهای ارتجاعی مسلح ۹۲-۱۹۷۶</p> <p>۲،۱،۱۴. پرو؛ حمایت از حکومت در سرکوب شورشیان ۹۷-۱۹۸۰</p> <p>۳،۱،۱۴. گرانادا؛ اشغال نظامی ۴ سال پس از انقلاب مردم ۸۴-۱۹۸۳</p> <p>۴،۱،۱۴. کانادا؛ حمایت از حکومت در سرکوب «جنبش اشغال» ۱۲-۲۰۱۱</p> <p>۵،۱،۱۴. اکوادور؛ حمایت از حکومت نظامیان ۷۹-۱۹۷۲</p> <p>۶،۱،۱۴. تایلند؛ حمایت از حکومت در سرکوب شورش مردم ۲۰۱۰</p> <p>۷،۱،۱۴. هاوایی؛ اشغال و الحاق هاوایی به امریکا ۱۸۹۳</p>

## ۶. نقض عهد و خیانت امریکا در قاره آسیا

امریکا پرونده به مراتب بدتری از قاره آمریکا در آسیا دارد. از جنایت جنگی در ویتنام گرفته تا تحمیل دیکتاتورها و حفظ آنها بر سر قدرت در برخی از کشورهای آسیایی تا تطویل حل موضوع فلسطین به دلیل نگاه جانبدارانه و حمایتی از رژیم صهیونیستی تا

مداخلات گوناگون در امور ایران قبل و بعد از انقلاب اسلامی بخشی از جنایات و نقض عهد‌ها و خیانت‌های این کشور در قاره کهن آسیاست. در جدول شماره (۳)، به اجمال به برخی از نقض عهد‌ها و جنایت‌های امریکا در قاره آسیا اشاره می‌کنیم.

جدول شماره (۳): نقض عهد‌ها و خیانت‌های امریکا در قاره آسیا

<p>نقض قطعنامه‌های مجمع عمومی و شورای امنیت درباره حقوق فلسطینیان و به نفع رژیم صهیونیستی؛ حمایت مادی و معنوی از رژیم صهیونیستی در اشغال فلسطین و جنگ‌های تاریخی اسرائیل غاصب با فلسطینیان. حمایت از صهیونیست‌ها در ایجاد حکومت اسرائیل ۱۹۴۸؛ حمایت از اسرائیل در اشغال کشورها ۱۹۶۷؛ همکاری با اسرائیل برای توسعه سلاح‌های اتمی ۱۳-۱۹۶۷؛ حمایت از اسرائیل در جنگ و تهدید اتمی ۱۹۷۳؛ حمایت از اسرائیل در سرکوب «انتفاضه ۱» در سال‌های ۹۳-۱۹۸۷ در فلسطین؛ حمایت از اسرائیل در سرکوب «انتفاضه ۲» در سال‌های ۰۵-۲۰۰۰؛ حمایت از سه هفته بمباران مردم غزه ۰۹-۲۰۰۸؛ حمایت از حمله هوایی و دریایی به مردم غزه ۲۰۱۰؛ حمایت از حمله زمینی و هوایی به مردم غزه ۲۰۱۱؛ حمایت از بمباران شدید مردم در نوار غزه ۲۰۱۲ و...</p>	<p>۱.۲. کشور فلسطین ۲. نقض عهد و خیانت در قاره آسیا</p>
<p>- در یکم نوامبر ۱۹۶۳ سازمان اطلاعات و جاسوسی امریکا (سیا) «نگو دین دیم»، نخست‌وزیر وقت ویتنام را با وجود این که مزدور و متحد امریکا (در زمان جانسون، رئیس‌جمهور وقت امریکا) به شمار می‌آمد، به قتل رساند و با طراحی طرح و برنامه تحت عنوان «ای ۳۴» توسط سازمان سیا در ۳۰ جولای ۱۹۶۴ با هدف به اجرا گذاشتن عملیات ویژه در خلیج «تونکین» در ویتنام، با زمینه‌سازی و توجیه‌گری دخالت امریکا در ویتنام، زمینه‌های حمله وحشیانه و اشغال این کشور را برای چند سال و کشتار انسان‌های بی‌شمار فراهم کرد. - نظامیان امریکایی با نقض توافق آتش‌بس، در ۲۴ دسامبر ۱۹۶۶ شهروندان غیر نظامی ویتنامی را قتل عام می‌کنند. - طراحی برنامه‌ای با عنوان «وینیکس» یا «حذف فیزیکی» در سال ۱۹۶۹ از سوی «کالبی»، نماینده وقت سازمان اطلاعات و جاسوسی امریکا (سیا) در ویتنام نقض آشکار حقوق جنگ و حقوق غیر نظامیان است. بر اساس این برنامه، ماهیانه ۱۸۰۰ شهروند ویتنامی در ویتنام جنوبی به قتل می‌رسید؛ به طوری که برخی آمارها از کشته شدن ۴۰ هزار نفر غیر نظامی در قالب این برنامه توسط امریکا خبر می‌دهند.</p>	<p>۲.۲. کشور ویتنام ۲. نقض عهد و خیانت در قاره آسیا</p>





## ۲. نقض عهد و خیانت در قاره آسیا

### ۳.۲. کشور چین

روابط چین و ایالات متحده را شاید بتوان پیچیده‌ترین و پر تناقض‌ترین روابط در میان قدرت‌های بزرگ دانست؛ روابطی که با تأثیر پذیری از متغیرهای متعدد و در مواردی بسیار متضاد همواره دچار نوسان و در مقاطعی پیش‌بینی‌ناپذیر بوده است. باین حال شواهدی از بدعهدی امریکا به چین وجود دارد که نشانگر بی‌وفایی امریکایی‌هاست:

۱. دخالت در جنگ چین و ژاپن ۹۵-۱۸۹۴؛ ۱۸۹۸ سرکوب شورش بوکسورها؛ ۲۷-۱۹۲۲ جنگ با میلیون؛ ۳۴-۱۹۲۷ استقرار نیرو در سراسر کشور؛ ۴۱-۱۹۱۱ اشغال دائمی و حمایت از ضد انقلاب؛ تهدید اتمی چین در حمایت از تایوان ۱۹۵۸؛ مانور مشترک نظامی با ژاپن علیه چین در سال ۲۰۱۳

۲. نقض عهد توافق همکاری چین و امریکا؛ با وجود همکاری نزدیک اطلاعاتی چینی‌ها در دوران جنگ امریکا و ژاپن بلافاصله با پایان جنگ با ژاپن و امضای توافق باین کشور، ایالات متحده برای مهار کردن چین، اتحاد خود با ژاپن را استوارتر و از افزایش قدرت نظامی این کشور حمایت کرد.

۳. بمباران نیروها و شهرهای چین متحد توسط هواپیماهای امریکایی؛ پس از جنگ جهانی دوم هواپیماهای امریکایی که خود را دوست چین معرفی می‌کردند با نقض قوانین بین‌المللی به پرواز اکتشافی بر فراز قلمروی چین می‌پرداختند. این در حالی بود که چینی‌ها در طول جنگ دوم جهانی بارها به کمک امریکایی‌ها شتافته بودند. علاوه بر این پیاده‌نظام امریکانیز در خاک چین دارای موضع بود؛ به طوری که در سال ۱۹۴۶ حدود صد هزار نظامی امریکایی در چین حضور داشتند. توجیه امریکا در باره حضور افرادش در چین، خلع سلاح ژاپنی‌ها بود؛ حال آن که خود با آنان همکاری می‌کرد.

۴. تجهیز طرفین درگیر در جنگ داخلی چین؛ از اواسط دهه ۱۹۵۰ میلادی جنگی داخلی در چین میان ملی‌گراها و کمونیست‌ها در گرفت. تا سال ۱۹۶۱ امریکا به طور مستقیم در جنگ داخلی چین دخالت کرده و سازمان سیا با توسعه نفوذ و حضور در چین و بهره‌گیری از پیاده‌نظام مستقر در این کشور و حتی با ارسال جنگ‌افزار برای طرفین جنگ، به گسترش دامنه جنگ در چین دامن می‌زد. این اقدام امریکا علاوه بر اینکه نقض قوانین بین‌المللی بود، خیانت به متحد سابقش نیز محسوب می‌شد.

۵. جاسوسی گسترده علیه چین؛ طی سال‌های جنگ سرد، امریکا با فعال کردن سرویس‌های اطلاعاتی خود به جاسوسی در داخل مرزهای چین پرداخت. عملیات جاسوسی در چین ابعاد وسیعی داشت که از ارسال هواپیما و ماهواره تا استفاده از دستگاه شنود را در بر می‌گرفت.<sup>۱</sup>

۱. یک نمونه از این جاسوسی‌های امریکا به سال ۱۹۵۲ میلادی برمی‌گردد. به طور مکرر گروه‌های کوچک امریکایی به سبک کماندوهایی که از هواپیما با چتر نجات فرود می‌آمدند، به منظور جاسوسی و خرابکاری به خاک چین اعزام می‌شدند. در نوامبر ۱۹۵۲ هواپیمای جاسوسی دو افسر سیا به نام‌های جان داوئی و ریچارد فکتو توسط چینی‌ها شناسایی شد و دو افسر امریکایی به اسارت درآمدند. بدین ترتیب بخشی از عملیات جاسوسی امریکا در چین کشف شد. علاوه بر این سازمان اطلاعات چین فاش ساخت که در ژانویه ۱۹۵۳ یازده خلبان امریکایی در حالی که مشغول انجام دادن مأموریت جاسوسی در آسمان چین بودند، شناسایی و سرنگون شده‌اند. بسیاری دیگر از پروازهای سیا بر فراز چین را که صرفاً به منظور جاسوسی بود، هواپیماهای یو ۲ در ارتفاع بسیار بالا انجام می‌دادند. این گونه پروازها از اواخر دهه ۱۹۵۰ شدت یافت و تا ۱۹۷۱ همچنان ادامه داشت.



تاریخ سیاسی امریکا در عراق نیز داستان پر از تجربه‌های تلخ نقض حقوق بشر، نقض آزادی‌های فردی، جمعی و استقلال ملی است. از فوریه سال ۱۹۶۰، امریکا سناریوهای چندلایه‌ای را برای تسخیر حاکمیت و تمامیت ارضی این کشور در دستور کار خود قرار داد. «عبدالکریم قاسم» را سرنگون کرد و در ادامه حضور خود توانست دولت‌های متمایل به خود را بر سر کار آورد.

برجسته‌ترین دخالت‌ها را در زمان صدام به عنوان متحد راهبردی واشنگتن شاهد هستیم؛ دورانی که سرشار از جنایت، خیانت و نقض عهدهای این دیکتاتور متحدکش هستیم. از جمله:

۱. ائتلاف و اتحاد استراتژیک با صدام در مقاطع مهم تاریخی به ویژه در جنگ تحمیلی؛

۲. تیرگی روابط، توافق برای تبعیت بیشتر و خلع سلاح (۱۹۹۸)؛

۳. بازدید از مراکز هسته‌ای و نصب دوربین در مراکز حساس؛

۴. توسعه بازرسی‌ها به سایت‌های موشکی و سایت‌های نظامی متعلق به ریاست جمهوری؛

۵. تصویب قانون آزادی عراق؛

۶. تصویب قطعنامه خلع سلاح و پذیرش صدام؛

۷. نقض عهد و حمله نظامی بوش به عراق در ۲۰۰۳ و اشغال کشور عراق و نقض حاکمیت و قانون اساسی؛

۸. تدوین قانون اساسی جدید برای عراق؛

۹. نقض عهد در اهداف اعلامی از جمله آوردن دموکراسی و امنیت (رفتار و اقدامات خلاف در بیش از یک دهه بعد از اشغال)؛

۱۰. ایجاد داعش و ایجاد چالش‌های متنوع سیاسی و امنیتی برای مردم و دولت عراق؛

۱۱. سناریو تجزیه عراق و تلاش برای تخریب زیرساخت‌های اطلاعاتی، امنیتی و اقتصادی؛

۱۲. حمایت از اسرائیل در بمباران راکتور اتمی عراق در سال ۱۹۸۱؛

۱۳. دروغ‌گویی در مورد سلاح‌های کشتار جمعی عراق ۲۰۰۲-۰۳؛

۱۴. چهار روز بمباران شدید هوایی عراق در سال ۱۹۹۸؛



<p>۲. نقض عهد و خیانت در قاره آسیا</p>	<p>۵،۲. کشور ترکیه</p>	<p>تاریخ ترکیه نیز به عنوان میراث‌دار امپراتوری عثمانی یک مجموعه گویا و عبرت‌آمیز از نقض عهدها و خیانت‌های امریکا در نقض حقوق مدنی، روش‌های خشن و میلیتاریستی است که در سایه دیکتاتورهای انتصابی رقم خورده است. مخالفت با جنبش‌های اجتماعی ملی و مذهبی، جریان‌های استقلال طلب ملی، جریان‌هایی با مطالبات دموکراتیک از تجارب درس آموز تاریخ روابط ترکیه با امریکا است که نتیجه مشترک همه این اقدامات حمایت از دولت دیکتاتورهای کودتایی است. جنگ با میلیون ۱۹۲۲؛ حمایت از کودتای نظامیان ۱۹۷۱؛ حمایت از کودتاهای نظامیان در سال‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۸۰؛ حمایت در سرکوب «حزب کارگران گُرد» ۱۳-۱۹۸۴؛ حمایت از «اردوغان» در تغییر شکل حکومت ۱۳-۲۰۰۶؛ حمایت از سرکوب شورش‌های مردمی در سال ۲۰۱۳؛ حمایت از کودتاچیان ۲۰۱۶ و چرخش مجدد به سمت اردوغان در حمایت از داعش و اشغال سوریه و عراق.</p>
<p>۲. نقض عهد و خیانت در قاره آسیا</p>	<p>۶،۲. کشور سوریه</p>	<p>تاریخ سوریه حکایتی پیچیده از طراحی‌ها و برنامه‌ریزی‌های دولت امریکا در تحولات منفی در رابطه با خود دارد. مخالفت با خواسته‌های عمومی، حمایت از دیکتاتوری و متحدسازی و متحدکشی را در تاریخ ارتباط سیاسی این کشور با امریکا می‌توان دید. آژانس اطلاعات و جاسوسی امریکا (سیا) در سه مارس ۱۹۴۹ کودتایی نظامی با فرماندهی «حسنی الزعیم» طراحی می‌کند اما بعد از پایان کودتا بلافاصله در ۱۴ آگوست ۱۹۴۹ شماری از افسران سوریه با هدایت و به دستور سفارت امریکا در دمشق، اقدام به محاصره خانه «حسنی الزعیم» کردند که چون به دستورات آنها تن نداد، او را به قتل رساندند. بعد از روی کار آمدن حزب بعث به رهبری حافظ اسد به دلیل رویکرد ضد صهیونیستی وی، سناریوها و طراحی‌های متعدد و متنوعی را شاهدیم تا وی را از مسیر قدرت خارج کنند. بعد از حافظ اسد نیز وضعیت دشوار و پیچیده فعلی را شاهدیم. از جمله دیگر اقدامات ضد سوری امریکایی‌ها، می‌توان به حمله کماندوهای امریکایی از خاک عراق ۲۰۰۶، حمایت از اسراییل در بمباران راکتور اتمی سوریه ۲۰۰۷، انتقال نیروهای مسلح برای جنگ با «بشار اسد» ۱۳-۲۰۱۱، تدارک برای حمله نظامی ۲۰۱۳، چرخش توازن قوا به نفع «بشار اسد» ۲۰۱۲ و تحمیل جنگ ویرانگر پنج ساله کنونی با حمایت و تجهیز گروه‌های تکفیری تروریستی به این کشور و... اشاره کرد.</p>
<p>۲. نقض عهد و خیانت در قاره آسیا</p>	<p>۷،۲. کشور یمن</p>	<p>یمن حمله موشکی و کشتار مردم ۲۰۰۹؛ حمایت از «صالح» در مقابل انقلاب مردم ۲۰۱۱؛ حمایت از عربستان در جنگ با انصارالله و کمیته‌های مردمی یمن در سال ۲۰۰۶؛ حمایت و تجهیز جنگ تحمیلی علیه مردم یمن با محوریت عربستان ۲۰۱۶-۲۰۱۴.</p>

۲. نقض عهد و خیانت در قاره آسیا

۸.۲ کشور یونان

تاریخ یونان نیز از برنامه مخرب دیکتاتورپروری و ضد خلقی و ضد دموکراتیک امریکایی‌ها در امان نبوده است؛ از جمله طراحی سناریو برای ایجاد جنگ داخلی در این کشور در سال ۱۹۴۹ که ۱۵۴ هزار نفر کشته، ۴۰ هزار نفر بازداشت و زندانی و ۶ هزار نفر به موجب احکام نظامی صادره توسط دادگاه نظامی یونان اعدام شدند.

به اعتراف «ماکویگ»، سفیر وقت امریکا در آتن تمام اقدامات تأدیبی و تکنیکی اتخاذ شده و به اجرا گذاشته شده توسط حکومت نظامی یونان طی سال‌های ۱۹۴۷-۱۹۴۹ توسط نظارت مستقیم و برنامه‌ریزی دقیق کاخ سفید صورت گرفته بود. همچنین امریکا از حکومت در سرکوب شورش مردم در سال‌های ۱۳-۲۰۱۰ حمایت کرد.

۲. نقض عهد و خیانت در قاره آسیا

۹.۲ کشور فیلیپین

کشور فیلیپین نیز جزء کشورهایی است که تناقض رفتار امریکایی‌ها در آن شکل ویژه‌ای دارد. حمایت از دیکتاتوری و سرنگونی متحدان تاریخ انقضا گذشته و... از اقدامات امریکا در این کشور است. جنگ با اسپانیا و بیرون کشیدن فیلیپین از جنگ اسپانیا ۱۰-۱۸۹۸؛ حمایت از «مارکوس» در سرکوب مردم در سال‌های ۸۶-۱۹۶۵؛ جنگ «سیا» بر علیه قیام هوک ۵۴-۱۹۴۸؛ حمایت هوایی بر علیه کودتای نظامی ۱۹۸۹؛ آموزش نظامی ارتش برای سرکوب شورشیان ۲۰۰۲. دولت امریکا نقش مهمی در وارد آوردن فشار بر «فردیناند مارکوس»، رئیس جمهور وقت فیلیپین برای کناره‌گیری از قدرت داشت؛ دولت امریکا پیش از این برای دهه‌ها از فردیناند مارکوس حمایت کرده بود.

۲. نقض عهد و خیانت در قاره آسیا

۱۰.۲ کشور اندونزی

سازمان اطلاعات و جاسوسی امریکا (سیا) کودتایی نظامی به رهبری «سوهارتو» علیه «سوکارنو»، رئیس جمهور وقت اندونزی تدارک دیده و به اجرا می‌گذارد؛ سوکارنو اندونزی را ابتدا از چنگ ژاپنی‌ها و سپس هلندی‌ها رها کرده و آزاد کرده بود. به دنبال اجرای این کودتا بیش از یک میلیون شهروند اندونزیایی قربانی شدند. نقش امریکا در کودتای ۱۹۶۵ ژنرال «سوهارتو» در اندونزی در ابتدا مخفی ماند؛ علی‌رغم این که سوهارتو هم تقریباً به اندازه مردم عراق از مردم اندونزی کشت. بعد از پایان ماجرا بود که مقامات امریکا برای شریک شدن در افتخار این کودتا نقش خود را در کمپین قتل عام سوهارتو آشکار کردند. حمایت از حکومت در سرکوب «تیمور شرقی» ۱۳-۱۹۹۹ و در نهایت حمایت از استقلال آن.





<p>سازماندهی «مجاهدین» با کمک عربستان ۸۹-۱۹۷۹؛ دخالت در جنگ داخلی برای سرنگونی حکومت افغانستان ۹۲-۱۹۸۹؛ سازماندهی «طالبان» با کمک پاکستان و انگلیس در سال ۹۶-۱۹۹۱؛ حمایت از «طالبان» برای کسب قدرت در سال ۱۹۹۶؛ بمباران موشکی به بهانه حملات به مراکز «سیا» ۱۹۹۸؛ استفاده از اورانیوم در کلاهک گلوله‌ها ۱۳-۲۰۰۱ و بالأخره اشغال نظامی به بهانه مبارزه با تروریسم و طالبان ایجاد بحران بلندمدت ۱۳-۲۰۰۱.</p>	۱۱، ۲. کشور افغانستان	۲. نقض عهد و خیانت در قاره آسیا
<p>حمایت از حکومت نظامیان ۷۲-۱۹۵۱؛ حمایت از کودتای ژنرال «پرویز مشرف» ۱۹۹۹؛ حمایت از حکومت در سرکوب مردم بلوچستان ۱۳-۱۹۷۰؛ حمایت از دولت «پرویز مشرف» ۰۸-۲۰۰۱؛ بمباران پاکستان توسط هواپیماهای بدون سرنشین ۲۰۰۵ همچنان ادامه دارد.</p>	۱۲، ۲. کشور پاکستان	۲. نقض عهد و خیانت در قاره آسیا
<p>۱. امریکا و روسیه دو ایدئولوژی و دو مکتب را مدیریت می‌کردند و بر همین اساس جهان در قلمرو نفوذ این دو کشور تحت عنوان اقمار شرق و غرب دسته‌بندی می‌شدند. بین این دو همواره رقابت برای تصرف حوزه نفوذ دیگری استمرار داشت. از این جهت دخالت‌ها و تنش‌ها و چالش‌زایی‌های امریکا برای روسیه و مناطق تحت نفوذش یک امر ماندگار و گسترده بود. این شرایط بعد از انقلاب ۱۹۱۷ روسیه تشدید شد. مقابله با انقلاب ۱۹۱۷ و اعمال تحریم، اقدامات جاسوسی، حمایت از مخالفان و اخلال همواره در قلمرو همدیگر از شرایط حاکم بین آنها بوده است.</p> <p>۲. تلاش برای اشغال مستعمرات؛ امریکا در سال ۱۹۱۸ نیز نیروهای نظامی خود را عازم صربستان کرد. علاوه بر این، امریکایی‌ها به خاطر نگرانی از گسترش قلمرو ژاپن تا مرزهای روسیه، تعدادی نیرو به شمال روسیه و صربستان اعزام کردند.</p> <p>۳. حمایت از ارتش سفید بازمانده از امپراتوری تزارها</p> <p>۴. راه‌اندازی انقلاب رنگی در جمهوری‌های شوروی سابق که اقدامی علیه روس‌ها بود؛</p> <p>۵. تعریف پروژه جنگ سرد پس از ۱۹۴۶ تا ۱۹۹۱ علیه شوروی سابق؛</p> <p>۶. مذاکره و همزمان طراحی سناریو فروپاشی شوروی و دخالت در فروپاشی امپراتوری روسیه ۱۹۸۹ که این وضعیت بعد از فروپاشی شوروی نیز تاکنون استمرار داشته است.</p>	۱۳، ۲. کشور روسیه	۲. نقض عهد و خیانت در قاره آسیا

## ۲. نقض عهد و خیانت در قاره آسیا

۱۴،۲ کشور ایران

تهدید حمله اتمی به شوروی برای خروج از ایران ۱۹۴۶؛ سرنگون کردن مصدق و بازگرداندن شاه ۱۹۵۳؛ حمایت از حکومت در سرکوب سازمان نظامی ۵۷-۱۹۵۳؛ استقرار مستشاران نظامی ۷۹-۱۹۵۶؛ دخالت مستقیم در تاریخ و روابط سیاسی ایران و امریکا قبل و بعد از انقلاب کلکسیون از دردها و رنج‌های سیاسی و حقوقی تحمیلی بر ملت و فرهنگ این مرز و بوم است که قرن‌ها ایران را از رسیدن به مقاصد و اهداف راهبردی خود دور نگه داشته است. حمایت نیم قرن امریکا از دیکتاتوری پهلوی، حمایت از سرکوب نهضت‌ها، جنبش‌های اجتماعی که باعث شد استعدادها و ظرفیت‌های بومی خفته بماند و بخش فعال آن نیز سرکوب و مضمحل گردد. اقدامات امریکا در ایران در دو شکل نرم و سخت آن علیه ملت ایران و هویت و ماهیت مذهبی و ملی آن قبل و بعد از انقلاب در سناریوهای برنامه‌ریزی شده وجود داشته و هدایت می‌شد. حضور منحوس امریکا در ایران، در حمایت از دیکتاتوری و مواجهه با انقلاب اسلامی و جبهه مقاومت مصادیق روش بسیاری را شامل می‌شود که در این قسمت به اهم آنها بعد از انقلاب اشاره می‌کنیم:

حمایت از حکومت در سرکوب چریک‌ها و مجاهدین ۷۶-۱۹۷۱؛ حمایت از حکومت شاه بر علیه انقلاب مردم ایران ۷۹-۱۹۷۸؛ حمایت از شاه ایران و انتقال او به خارج ایران ۱۹۷۹؛ سرنگون کردن دو هواپیمای نظامی ایران ۱۹۸۴؛ آغاز جنگ «نفث کش‌ها» در خلیج فارس ۸۸-۱۹۸۴؛ سرنگون کردن هواپیمای مسافربری ۱۹۸۸؛ وابسته کردن بیشتر اقتصاد به مراکز مالی جهانی ۹۷-۱۹۸۹؛ تحریم اقتصادی ایران و فشار سیاسی بین‌المللی ۱۳-۱۹۷۹؛ انتقال سلاح‌های شیمیایی از مصر به عراق ۱۹۸۰؛ دامن زدن به جنگ ایران و عراق ۸۸-۱۹۸۰؛ حمله نظامی برای باز پس گرفتن گروگان‌ها ۱۹۸۰؛ هدف قرار دادن هواپیمای مسافربری ایران با ۳۲۰ مسافر، مخالفت با دستیابی ایران به انرژی هسته‌ای، ترور دانشمندان هسته‌ای با همکاری رژیم صهیونیستی، اعمال تحریم‌های ظالمانه یک‌جانبه و چندجانبه و...؛ تهدید به حمله نظامی ۱۳-۲۰۰۲؛ اعلام تغییر رژیم در ایران، عراق و کره شمالی ۲۰۰۲؛ تهدید به حمله نظامی ایران پس از انتخابات ۲۰۱۳.

## ۷. نقض عهد امریکا در قاره اروپا

همچنان که در قسمت‌های قبلی اشاره شد بر اساس شواهد متقن تاریخی، امریکا نسبت به هر چهار عضو شورای امنیت سازمان ملل خیانت کرده است. این کشور با شیوه امپریالیستی به دنبال گسترش نفوذ خود در جهان بوده و از هیچ‌گونه پیمان شکنی و بدعهدی حتی نسبت به دوستان خود نیز ابایی ندارد. آنچه برای امریکا مهم است نه حفظ صلح بلکه دستیابی به اهداف امپریالیستی است.<sup>۱</sup> در این بین شورای امنیت سازمان ملل نیز به عنوان وسیله‌ای برای دستیابی

۱. پایگاه مرکز اسناد انقلاب اسلامی (IRDC.IR)



## ۳. نقض عهد و خیانت در قاره اروپا

## ۱.۳ کشور فرانسه

<p>فرانسه یکی از متحدان قدیمی امریکا از جنگ جهانی دوم محسوب می‌شود اما در طول تاریخ موارد عدیده‌ای از بدعهدی و خلف وعده امریکا نسبت به فرانسه وجود دارد که بیش از پیش ثابت می‌کند امریکا حتی به دوستان نزدیک خود نیز رحم نمی‌کند. یکی از آنها در بعد سیاسی، حمایت از حکومت در سرکوب شورش مردمی در سال ۲۰۰۵ در فرانسه است. برخی از سایر موارد در زیر مورد اشاره قرار گرفته است.</p>	<p>۱. جاسوسی امریکا از مکالمات رهبران فرانسوی به مدت یک دهه (اسناد منتشره از سوی سایت ویکی لیکس)؛          ۲. کنترل فعالیت‌های شرکت‌های فرانسوی (مخابرات، شرکت‌های تولیدکننده انرژی الکتریکی، گاز، نفت، انرژی هسته‌ای)</p>	<p>۳. تلاش برای تحلیل قدرت اقتصادی فرانسه و به شکست کشاندن آن. بر اساس اسنادی که در سال ۲۰۱۵ توسط ویکی لیکس منتشر شده‌اند، سازمان امنیت ملی امریکا (NSA) مرتباً قراردادهای مالی شرکت‌های فرانسوی که بالای ۲۰۰ میلیون دلار ارزش داشتند را به صورت مخفیانه با شکست مواجه می‌کرده است.          ۴. تلاش برای ناکام ماندن قراردادهای تجاری و اقتصادی فرانسه</p>	<p>۵. کودتا علیه ژنرال دوگل و مخالفت با طرح استقلال الجزایر؛ برگزاری همه‌پرسی توسط دوگل در سال ۱۹۵۹ استقلال کامل الجزایر را نشان می‌داد و ژنرال دوگل با وجود مخالفت شدید نظامیان و ملیون افراطی فرانسه، با استقلال الجزایر موافقت کرد. در این بین ناگهان امریکا وارد جریان شد و با حمایت از چهار افسر افراطی فرانسوی که در رأس آنها ژنرال شال قرار داشت با طراحی کودتا علیه دوگل تلاش کرد تا مانع استقلال الجزایر شود.<sup>۱</sup></p>
--	--	---	--

۱. کلیه شواهد حاکی از آن بود که سیاه به دو دلیل در این کودتای نظامی نقش داشته است: ۱. نگرانی از اینکه استقلال الجزایر باعث قدرت‌گیری کمونیسم شود. ۲. امید به اینکه کودتا سقوط ژنرال دوگل را تسریع بخشد. بدین ترتیب امریکا بار دیگر در مقابل سیاست‌های فرانسه ایستاد.

## جدول شماره (۴): نقض عهد‌ها و خیانت‌های امریکا در قاره اروپا

به این مهم در اختیار امریکا قرار دارد. بخشی از نقض عهد‌ها و جنایت‌های امریکا در قاره اروپا در جدول شماره (۴) مورد اشاره قرار می‌گیرد:

<p>۳. نقض عهد و خیانت در قاره اروپا</p>	<p>۲، ۳. اسپانیا و السالوادور</p>	<p>۱. ورود به جنگ یوگسلاوی و دخالت به نفع ایتالیا علیه صرب‌ها در ۱۹۱۹؛ تهدید به حمله اتمی یوگسلاوی به خاطر سقوط هواپیمای امریکایی ۱۹۴۶؛</p> <p>۲. حمایت از حکومت ژنرال فرانکو در اسپانیا در خلال سال‌های ۷۵-۱۹۴۵ و حمایت از سرکوب تظاهرات متعدد مردم ۱۳-۲۰۱۱؛</p> <p>۳. حمله کشتی‌های جنگی به قیام مارتی السالوادور در سال ۱۹۳۲ و سرکوب شورشیان در خلال سال‌های ۹۲-۱۹۸۱.</p>
---	-----------------------------------	--

<p>۳. نقض عهد و خیانت در قاره اروپا</p>	<p>۳، ۲. کشور انگلیس متحد راهبردی</p>	<p>۱. خیانت به انگلیس در جنگ نورماندی با آلمان: در جریان جنگ جهانی دوم در ماجرای فتح نورماندی، انگلستان از امریکا خواست تا سریعاً وارد عمل شده و با اعزام نیرو و تسلیحات نظامی، بریتانیا را در فتح نورماندی یاری کند. اما امریکا به رغم درخواست انگلستان، در ورود به جنگ تعلل کرد تا جایی که انگلستان در ساحل نورماندی بسیاری از نیروهای خود را از دست داد. امریکا بعد از پایان غائله وارد جریان شده و نقش فاتحان را بازی کرد.</p> <p>۲. خیانت به انگلیس به عنوان متحد راهبردی امریکا در بحران سوئز: امریکا که نگران نفوذ و توسعه حضور انگلیس در سوئز بود، با ورود سریع به جریان جنگ در سال ۱۹۵۶ میلادی، فشار سیاسی و مالی به انگلیس وارد آورد تا آتش بس سازمان ملل را در تاریخ ۶ نوامبر بپذیرد. بدین ترتیب نیروهای انگلیس ناچار شدند تا در ماه دسامبر همان سال مصر را ترک گویند.</p> <p>۳. حمله به گرانادای تحت نفوذ و مدیریت انگلیس (مستعمره بریتانیا) در سال ۱۹۸۳ میلادی با هدف تحدید نفوذ و حضور انگلیس.</p> <p>۴. نقض عهد در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲؛ دولت مصدق با همکاری سیا و اینتلیجنت سرویس سقوط کرد. با سقوط دولت مصدق و بازگشت شاه به کشور، به نظر می‌رسید که انگلستان و امریکا به تقسیم منافع در ایران خواهند پرداخت اما ایالات متحده به سرعت انگلستان را از صحنه خارج کرده و بیشترین سهم از کنسرسیون نفت را به خود اختصاص داد. از این تاریخ به بعد، امریکا به قدرت برتر در ایران بدل شد. پس از کودتا و در قضیه کنسرسیون نفت، امریکا حتی به انگلیس که با او در کودتا همراهی کرد، رحم نکرد و لندن را نیز فریب داد. مشابه این جریان در جنگ جهانی دوم در جریان درخواست کمک چرچیل در نورماندی نیز اتفاق افتاد.</p> <p>امریکا به رغم موارد نقض عهد با انگلیس در سرکوب جنبش‌های مردمی در این کشور نیز نقش داشته و از سرکوب شورش مردم توسط انگلیس حمایت کرده است.</p>
---	---------------------------------------	---





بر اساس شواهد متقن تاریخی، امریکا نسبت به هر چهار عضو شورای امنیت سازمان ملل خیانت کرده است. این کشور با شیوه امپریالیستی به دنبال گسترش نفوذ خود در جهان بوده و از هیچ‌گونه پیمان‌شکنی و بدعهدی حتی نسبت به دوستان خود نیز ابایی ندارد. آنچه برای امریکا مهم است نه حفظ صلح بلکه دستیابی به اهداف امپریالیستی است

## ۸. نقض عهد امریکا در قاره آفریقا

تصمیم‌گیران سیاست و قدرت در امریکا از بدو استقلال این کشور تا به امروز علاوه بر سرکوب بومیان قاره امریکا و مردمان کشور خود، به جنایت و نقض عهد در قاره‌های دیگر نیز پرداخته و تاریخی سراسر از خیانت و جنایت، نقض حقوق بشر و قتل‌عام ملت‌ها به جا گذاشته‌اند. این جنایات امریکا در حق ملت‌های دیگر بسیار وسیع هستند.

کتاب قطور جنایت‌های امریکا در قاره

آفریقا طی ۶۰ سال اخیر خلاصه و بخشی از کارنامه «امریکای انسان‌دوست!!» در جهان طی جنگ‌های استعماری در کشورهای مختلف آفریقایی است.

یکی از ماجراهای گریه‌آور تاریخ که نظام سلطه امریکا و امثال آن دوست ندارند این داستان احیا بشود، [که یک نمونه‌اش] همین مسئله غلام و کنیز گرفتن مردم آفریقا است؛ کشتی‌ها را از اقیانوس اطلس می‌آوردند، در سواحل کشورهای غرب آفریقا مثل گامبیا و امثال اینها نگه می‌داشتند، بعد می‌رفتند با تفنگ و سلاح‌هایی که دست مردم آن روز از این سلاح‌ها خالی بود، صدها و هزارها پیر و جوان و مرد و زن را می‌گرفتند، با شرایط بسیار سختی با این کشتی‌ها برای بردگی به امریکا می‌بردند. انسان آزاد را که در خانه خودش زندگی می‌کرد، در شهر خودش زندگی می‌کرد، به اسارت می‌گرفتند؛ الان سیاهانی که در امریکا هستند، از نسل آنهایند. چند قرن امریکایی‌ها این فشار عجیب را آوردند که [در این زمینه] کتاب‌ها نوشته‌اند که این کتاب «ریشه‌ها» کتاب مغتنمی است برای نشان دادن گوشه‌ای از این فجایع. انسان امروز چطور می‌تواند اینها را فراموش کند؟ با همه این حرف‌ها هنوز هم در امریکا بین سیاه و سفید تبعیض هست.<sup>۱</sup>

قاره آفریقا به عنوان قاره مظلوم به دلیل فقر فرهنگی و اقتصادی و وابستگی دولتمردان همواره به عنوان بردگان سیاسی و مدنی امریکایی‌ها به آنها نگاه شده است. امریکایی

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار پنجاه هزار فرمانده بسیج سراسر کشور، ۱۳۹۲/۸/۲۹.



مدعی حفظ حقوق بشر و کمک‌های انسان‌دوستانه سناریو نسل‌کشی و استعدادکشی در قاره آفریقا را طراحی کرده و این قاره ثروتمند و وسیع را به عنوان اقمار برده در اختیار گرفته است و برای حفظ و تثبیت این وضعیت هر گونه قیامی در این قاره را با متحدان دیکتاتور خود سرکوب کرده و می‌کند که نمونه آخر آن قتل‌عام مردم بی‌دفاع نیجریه و رواندا و برون‌دی است.

جدول شماره (۵)؛ کارنامه سیاه آمریکا در قاره سیاه

سودان از ۱۹۵۵ تا ۱۹۷۲	۷۵۰ هزار کشته ۲ میلیون کشته
سودان از ۱۹۸۳ تا ۲۰۰۰	۲ میلیون کشته
نیجریه از ۱۹۶۷ تا ۱۹۷۹	۲ میلیون کشته
آنگولا از ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۸	۷۰۰ هزار کشته
آنگولا از ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۴	۱۰۰ هزار کشته و ۲ میلیون آواره
موزامبیک از ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۸	۱ میلیون کشته
اوگاندا از ۱۹۷۱ تا ۱۹۷۸	۳۰۰ هزار کشته
بروندی ۱۹۷۲	۲۵۰ هزار کشته
بروندی ۱۹۹۳	۲۰۰ هزار کشته
زئیر/کونگو از ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۳	۱۷۵۰۰۰۰ کشته شده در جنگ و مرگ حدود ۵ میلیون نفر از گرسنگی
رواندا ۱۹۹۴	۸۰۰ هزار کشته و ۴ میلیون آواره
لیبریا از ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۱	۲۵۰ هزار کشته، یک و نیم میلیون بی‌خانمان و ۳۰۰ هزار کودک یتیم
سومالی از ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۲	۳۵۰ هزار نفر از گرسنگی مردند و یک و نیم میلیون نفر آواره شدند.





<p>۱. ائتلاف با جریان ضد ناسیونالیسم علیه ناصر (ناصریسم) به عنوان یک جریان مردمی؛</p> <p>۲. بسیج امکانات برای روی کار آوردن جریان سازشکار با رهبری انور سادات و بر ضد مقاومت؛</p> <p>۳. به انزوا کشیدن جریان ضد اسراییلی با کمک انور سادات؛</p> <p>۴. انعقاد توافقنامه کمپ دیوید و پذیرش سازش با اسراییل و موجودیت آن؛</p> <p>۵. همراهی با جریان رسانه‌ای پس از ترور انور سادات و عبور از جریان سادات و ارتباط‌گیری با جریان میانه به رهبری مبارک.</p>	<p>۱.۴ کشور مصر (دوران ناصر + انور سادات)</p> <p>۴. نقض عهد و خیانت در قاره آفریقا</p>
<p>۱. حسنی مبارک به عنوان متحد راهبردی امریکا و رژیم صهیونیستی، بیش از سه دهه خدمت به امریکا، مورد خیانت امریکا واقع شد و امریکایی‌ها با جریان مخالف وی همراهی و وی را برکنار کردند.</p> <p>۲. دولت مرسی به عنوان دولت برآمده از انتخابات، با وجود همراهی کامل با امریکا و اسراییل اما از توطئه امریکا در امان نماند و با حمایت از کودتای نظامیان ساقط شد.</p> <p>۳. حمایت ابتدایی از انقلاب مردمی و دموکراسی در مصر و حمایت از کودتای نظامی علیه دولت منتخب.</p>	<p>۱.۴ کشور مصر (دوران مبارک و مرسی)</p>



<p>۱. یک سال مذاکرات با قذافی و امضای توافق در سال ۲۰۰۴ و معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای          ۲. پذیرش نابودی سلاح‌های هسته‌ای و مراکز آن زیر نظر بازرسان امریکایی و انگلیسی          ۳. توسعه مذاکرات به مسائل زیرساختی و دسترسی به اطلاعات محرمانه استراتژیک و راهبردی</p>	<p>مذاکرات طولانی و توافق هسته‌ای          ۲.۴. کشور لیبی</p>
<p>۱. در عوض انگلستان در سال ۲۰۰۶ معاهده‌ای نظامی با لیبی با نام «نامه مشترک صلح و امنیت» امضا کرد تا در صورتی که لیبی مورد حمله قرار گیرد، انگلستان ملزم به حمایت از این کشور باشد؛ ۲. امریکایی‌ها نیز برای اینکه حسن نیت خود را اثبات کنند، پیمان‌های همکاری اقتصادی و البته نفتی را با این کشور به امضا رساندند؛ ۳. پنج سال بعد نقض عهد و پیمان شکنی با شروع بیداری اسلامی و حمله هوایی به لیبی خود را نشان داد و در حالی که انگلستان در ۲۰۰۶ متعهد شده بود از لیبی در صورت حمله نظامی کشوری دیگر دفاع کند، خود در حمله به لیبی تحت عنوان نیروهای ائتلاف با ناتو حضور داشت. ۴. حمله زمینی و اشغال این کشور؛ حاصل کلام، قذافی در گفت‌وگو با شبکه تلویزیونی «ای بی سی» گفت: امریکا به من خیانت کرد. لیبی متحد امریکا در جنگ با القاعده بوده است اما کشورهای غربی حمایت خود را از رژیم من متوقف کردند.</p>	<p>امضای توافق امنیتی + اقتصادی و نفتی          ۲.۴. کشور لیبی</p>
<p>پاتریس لومومبار هبر جنبش ملی این کشور که نبرد مردم این کشور برای دستیابی به استقلال را رهبری کرد، در سال ۱۹۶۰ اولین نخست‌وزیر منتخب مردم این کشور شد. اما او طی کودتای امریکایی «جوزف موبوتو» از قدرت خلع شد. موبوتو با انحلال انتخابات در سال ۱۹۶۵ خود را به عنوان رئیس‌جمهور زئیر اعلام کرد و برای مدت ۳۰ سال دیکتاتور مآبانه در این کشور حکمرانی کرد.</p>	<p>۳.۴. کشور زئیر          ۴. نقض عهد و خیانت در قاره آفریقا</p>

<p>۴.۴. کشور آفریقای جنوبی</p>	<p>حمایت از حکومت نژادپرست آفریقای جنوبی در سال‌های ۹۰-۱۹۶۱؛ سکوت و حمایت از سرکوب جنبش مردمی به رهبری نلسون ماندلا و حمایت از دیکتاتوری آپارتاید، بعد از قدرت گرفتن جنبش مردمی و ضعف شدید دیکتاتور سفیدپوست سریع تغییر موضع داد و علیه متحد دیکتاتور وارد عمل شد و در یک چرخش کامل از تغییر شکل حکومت از سفید به سیاه حمایت کرد؛ اما رویه ضدیت با جریان‌ها و جنبش‌های کارگری و اجتماعی که رویکرد عدالت‌خواهانه و ضد وابستگی داشتند تعطیل نشد از جمله: حمایت از سرکوب و کشتار معدنچیان ۲۰۱۲ و حمایت از حکومت در سرکوب تظاهرات مردم ۱۳-۲۰۰۴ و...</p>
<p>۴.۵. کشور سودان</p>	<p>حمله به کارخانه داروسازی در سودان با بهانه تولید گاز سمی ۱۹۹۸؛ مذاکره و امضای توافقنامه پذیرش همه‌پرسی برای جدایی سودان جنوبی در مقابل رفع تحریم‌ها؛ عدم لغو تحریم‌ها به رغم تجزیه سودان و...</p>

### نتیجه‌گیری

۱. امریکا اهداف و منافع خود را جهانی تعریف کرده و سعی در کسب، حفظ و توسعه جهانی آن دارد بدون توجه به درست یا نادرست بودن شیوه‌ها و سیاست‌ها و منطبق بودن با موازین حقوقی و جهانی.
۲. برای دستیابی به اهداف و منافع و همچنین به منظور استیلای جهانی به تناسب شرایط، طیفی از اعمال قدرت را به کار می‌برد. یعنی امریکا از بکارگیری و اعمال قدرت نظامی، برای زیر سلطه درآوردن دیگر نظام‌ها ابایی ندارد. کارنامه کاخ سفید نشان می‌دهد که این کشور برای اعمال سلطه و تغییر رژیم یا رفتار کشورهای ناهمسوازی خشن‌ترین ابزارها بهره گرفته است.
۳. هر کشور، جریان یا جنبش مردمی که با امریکا نباشد و در راستای منافع و راهبردهای آن حرکت نکند یا متحدی که قدرت تأمین منافع او را نداشته باشد دشمن

امریکا محسوب می‌شود، باید از صحنه بازیگری حذف گردد.

از بررسی اجمالی رویکرد و عملکرد آمریکایی‌ها در دنیا و کشورهای مختلف این موضوع حاصل می‌شود که بغض و خواست مرگ برای نظامی سیاسی که تنها برای حفظ منافع و راحتی خود امنیت و ثبات دنیا را به خطر و چالش می‌کشد کمترین اقدام و عملکرد دفاعی است که تا زمان تداوم سیاست‌های سلطه‌طلبانه نباید انتظار داشت ملت‌ها و دولت‌ها از شعار «مرگ بر امریکا» که خواست مرگ ستم‌ها و سلطه‌گری‌ها و بی‌عدالتی‌ها در حق مردم دنیا است دست بردارند. در واقع، مادامی که چنین نظام ظالم و ستمگری وجود داشته و منافع ملت‌ها را چپاول نماید، دشمنی‌ها و شعار مرگ بر امریکا نیز استمرار خواهد داشت.

